



شهردار تبریز خبر داد:
**عمارت کلاه فرنگی در بهار
میزبان گردشگران**

در صفحه ۸

یکشنبه ۱۶ آذر ماه ۱۴۰۴ سال نوزدهم شماره ۳۴۵۷ قیمت ۵۰۰۰ تومان

طرح نو

روزنامه کثیرالانتشار

سرمقاله

دانشگاه، کانون حل معمای هویت ایرانی

طرح نو؛ سردبیر شانزدهم آذر، روز دانشجوی، در تقویم ایران همواره نمادی از آرمان‌خواهی، عدالت‌طلبی و بیداری بوده است؛ اما این روز، در دهه جاری، بیش از آنکه بهانه‌ای برای جشن باشد، فرصتی است برای بازبینی ژرف در چیستی هویت ما. دانشگاه، که قرار بود قلب تپنده تفکر نقاد و محل تلاقی سنت و تجدد باشد، امروز خود در میانه‌ی طوفان «معمای هویت» گرفتار شده است. هویت ایرانی-اسلامی ما، در تقاطع خطرناک جهانی شدن، با سرعت سرسام‌آور تغییرات فرهنگی و تکنولوژیکی، و از سوی دیگر، درگیر با ریشه‌داری‌های سنتی و تاریخی خود، در حال دست و پنجه نرم کردن است. این تقاطع، فضایی را ایجاد کرده که در آن، دانشجوی بیش از هر قشر دیگری، در معرض شکاف‌های هویتی قرار دارد. آیا ما وارثان تمدنی کهن هستیم یا مقلدان صرف؟ آیا آرمان‌هایمان منطبق با نیازهای روز است یا در گرداب گذشته مدفون شده‌اند؟ این پرسش‌ها، سرمای آذر را در جان گفتگوهای روزمره دانشگاهیان می‌افزاید.....

گزارش

«هاکان فیدان» در جست‌وجوی «معماری امنیتی جدید»؛ همگرایی ایران و ترکیه در سوریه؟

طرح نو؛ سردبیر غرب آسیا در سال‌های اخیر شاهد بازآرایی شدیدی در ساختار قدرت بوده است. از بحران سوریه تا جنگ قفقاز جنوبی و بازگشت تنش‌های فلسطین و حملات ۱۲ روزه محور غرب به ایران، همه نشانه‌های دوران گذارند؛ دورانی که در آن قدرت‌های منطقه‌ای چون ایران و ترکیه در حال بازتعریف نقش خود در نظم چندقطبی تر هستند. در همین چارچوب، سفر اخیر «هاکان فیدان» وزیر امور خارجه جدید ترکیه به تهران - که یکی از معدود سفرهای رسمی خارجی او پس از انتصابش بود - پیام‌هایی فراتر از عرف دیپلماتیک دارد. فیدان، که سال‌ها رئیس سازمان اطلاعات ترکیه (میت) و یکی از معماران سیاست امنیتی اردوغان بوده، اکنون در مقام وزیر خارجه، پروژهای بلندمدت را دنبال می‌کند: ایجاد یک «معماری امنیتی جدید منطقه‌ای» با محوریت بازیگران محلی. و به نظر می‌رسد که ایران در این معادله برای آنکارا نقشی کلیدی پیدا کرده است؛ نه تنها به‌عنوان همسایه‌ای با نفوذ عمیق در تحولات سوریه، بلکه به‌عنوان کشوری که می‌تواند توازن قدرت را در محورهای شمال و جنوب ترکیه تعیین کند؛ از قفقاز تا مدیترانه.

از قفقاز تا شام زمین بازی جدید قدرت

تحولات اخیر قفقاز جنوبی - به‌ویژه پیروزی جمهوری آذربایجان در بازپس‌گیری کنترل قریباغ - باعث شد ترکیه جایگاهی تازه و پررنگ در ژئوپلیتیک شمال غرب ایران بیابد. این پیروزی اگرچه برای آنکارا یک موفقیت ژئوپلیتیکی بود، اما از نگاه تهران تهدیدی بالقوه نیز محسوب می‌شد؛

گزارش

اسقاط خودروهای فرسوده، انتخابی برای نجات هوای شهر

گزارش

«خلیج فارس» بخشی از شناسنامه فرهنگی و تاریخی ملت ایران است

پرونده‌ای برای روز دانشجوی حاشیه‌ی گفت‌وگو میان دو دانشجوی با سردبیر طرح نو؛

شانزدهم آذر؛

در جستجوی «هویت» میان خاک و آسمان

در صفحه ۶



بحران فرونشست زمین، پاسخ سخت طبیعت به سال‌ها بی‌توجهی انسان‌ها

های آذربایجان شرقی با بیان اینکه در ۲۰ سال گذشته ۴۵۰ هزار حلقه چاه جدید در مناطق مختلف کشور حفر شده است، اظهار کرد: برداشت‌های غیرمجاز، منابع آبی را با خطر مواجه کرده است. گفت: در شیبتر فرونشست زمین به نرخ ۱۵ درصد رسیده است و این مسئله تهدید زیست محیطی محسوب می‌شود زیرا که در صورت جبران کسری منابع آبی جبران فرونشست هزاران سال زمان می‌برد. نشست زمین با این سرعت خطر قابل توجهی برای زیرساخت‌ها، ساختمان‌ها، کشاورزی و تأمین آب ایجاد می‌کند، کاهش سطح آبخوان‌ها به علت برداشت بی‌رویه آب زیرزمینی می‌تواند منجر به کاهش منابع آب در بلندمدت، خشکی چاه‌ها و تشدید بحران کم‌آبی شود. تالاب‌ها و اکوسیستم‌های طبیعی آذربایجان شرقی نیز به‌ویژه در شرایط کاهش بارش و کم‌آبی آسیب‌پذیرند.

آیا فرونشست قابل جبران است؟

بخش زیادی از آسیب‌ها غیرقابل برگشت است زیرا که وقتی زمین می‌نشیند، لایه‌های زیرین فشرده می‌شوند و این فرآیند معمولاً برگشت‌پذیر نیست، یعنی؛ آبخوان به حالت قبلی برنمی‌گردد، ظرفیت نگهداری آب برای همیشه از دست می‌رود و زمین به حالت طبیعی تجدید نمی‌شود اما می‌توان فرونشست را متوقف یا کند کرد اگر به موقع اقدام شود.

روش‌های کنترل:

کاهش برداشت آب زیرزمینی، مدیریت کشاورزی و تغییر الگوی کشت، تغذیه مصنوعی آبخوان‌ها، استفاده از منابع آب جایگزین، لوله‌گذاری و جلوگیری از هدررفت آب و کنترل ساخت‌وساز در مناطق پرخطر، این‌ها باعث می‌شوند نشست زمین کند یا متوقف شود اما بازگشت به حالت اولیه تقریباً غیرممکن است.

به هر حال، آذربایجان شرقی اکنون جزو استان‌هایی است که فرونشست زمین در آن جدی است و برخی مناطق آن با نرخ «بالا» مواجه‌اند. اگر اقدامات پیشگیرانه و مدیریت منابع آب و خاک به درستی انجام نشوند، استان ممکن است با بحران‌های زیست‌محیطی، آب و زیرساختی جدی مواجه شود. / ایرنا



ماهورهای نشان می‌دهد که آذربایجان شرقی در سال‌های اخیر با افزایش چشمگیر نرخ فرونشست زمین مواجه شده و برخی مناطق استان وارد مرحله «بحران جدی» شده‌اند. براساس اعلام کارشناسان، شهرستان مرند با ثبت نرخ سالانه حدود ۱۸.۹ سانتی‌متر، در صدر مناطق دارای بیشترین فرونشست در استان قرار دارد. این پدیده در برخی نقاط منجر به ایجاد ترک در ساختمان‌ها و زمین‌های کشاورزی شده است. در دشت تبریز نیز داده‌های سامانه‌های پایش نشان می‌دهد که نرخ فرونشست به‌طور متوسط ۱۰ میلی‌متر در سال است و در برخی نواحی، فرونشست‌های فصلی تا حدود ۹۸ میلی‌متر نیز ثبت شده است. کارشناسان نسبت به خسارت‌های احتمالی به زیرساخت‌ها، از جمله جاده‌ها و خطوط انتقال آب و انرژی هشدار داده‌اند. مسئولان بخش آب استان اعلام کرده‌اند که برداشت بی‌رویه از چاه‌ها، خشکسالی‌های پیاپی و کاهش تغذیه

چقدر وضعیت نگران‌کننده است؟

در گذشته فرونشست را به‌عنوان کم‌اثر یا منطقه‌ای محدود می‌شناختند، اما اکنون مقیاس آن «ملی» توصیف می‌شود، کارشناسان هشدار داده‌اند، اگر استخراج بی‌رویه آب زیرزمینی ادامه یابد، بازگرداندن وضعیت پیشین آبخوان‌ها و خاک ممکن است تا سال‌ها و گاهی حتی غیرممکن باشد. میرزایی معتقد است: با جابجایی و تغییر وضعیت سطح زمین، زیرساخت‌های روی آن آسیب می‌بینند، ساختمان‌ها به سمت ناحیه فرونشست منحرف می‌شوند؛ فونداسیون سازه‌ها ترک برمی‌دارند؛ و جاده‌ها تغییر شکل می‌دهند، فرونشست‌های ایجاد شده برای مدت‌های طولانی باقی می‌مانند، حتی یک فرونشست بیش از ۵۰ هزار سال طول می‌کشد تا از بین برود.

فرونشست زمین در آذربایجان شرقی وارد مرحله هشدار شد

بررسی‌های جدید سازمان زمین‌شناسی و داده‌های

طرح نو؛ گروه گزارش فرونشست گسترده در دشت‌ها و شهرها نشانه بی‌توجهی طولانی مدت به منابع آب و تخریب طبیعت است که زندگی، زیرساخت‌ها و آینده زیست محیطی کشور را تهدید می‌کند و حالا زمین با شکاف‌هایش با ما سخن می‌گوید. فرونشست زمین در کشورمان پدیده‌ای گسترده و تشدیدشونده است و در سطح کشور نواحی بزرگی دچار فرونشست شده‌اند و استان آذربایجان شرقی (دشت تبریز و دشت شیبتر و مرند) نیز از نواحی آسیب‌پذیر است. گفته علی بیت‌اللهی عضو هیات علمی مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی، ایران جزو سه کشور با «بیشترین مناطق دارای فرونشست» در جهان است؛ و در کل کشور به دلیل بیلان منفی آبخوان‌ها، با کاهش روزمره منابع آب‌های زیرزمینی مواجهیم. بحران کاهش آب‌های زیرزمینی عامل اصلی این وضعیت اعلام شده و در برخی نقاط، نرخ فرونشست به‌شدت بالا گزارش شده است، مناطقی با بیش از ۳۰ سانتی‌متر نشست در سال که زیرساخت‌ها، ساختمان‌ها و میراث فرهنگی را تهدید می‌کنند. به گفته کارشناسان فرونشست می‌تواند به ترک خوردن ساختمان‌ها، خرابی جاده‌ها، خطوط ریلی، لوله‌کشی آب و فاضلاب و سایر زیرساخت‌ها منجر شود، حتی برخی از میراث باستانی و تاریخی، بناها و سایت‌های ثبت‌شده جهانی، در معرض خطر جدی‌اند. بحران آب و فرونشست ترکیبی از مشکلات محیط زیستی، اجتماعی و اقتصادی ایجاد کرده است، از کمبود آب تا مهاجرت احتمالی مردم. به گفته خاتمه میرزایی، پژوهشگر امور شهری فرونشست زمین، پیامدهای اجتماعی، محیط زیستی و اقتصادی زیادی را در پی دارد، به عنوان مثال، آسیب به زیرساخت‌هایی نظیر راه، هزینه‌های قابل توجهی را به کشور تحمیل می‌کند و بر روی اقتصاد نیز تأثیر می‌گذارد و طبیعتاً بر روی کیفیت زندگی مردم اثر منفی دارد. همچنین فرونشست زمین با کاهش ظرفیت آبخوان‌ها، موجب ایجاد مشکل در سیستم‌های تأمین و توزیع آب می‌شود، نحوه بروز فرونشست بدین ترتیب است که وقتی میزان آب خروجی از آبخوان بیشتر از آب ورودی به آن باشد، زمین شروع به جابجایی می‌کند.

یادداشت

پشتوانه‌ای دو طرفه؛ رمز رسیدن دولت

و ملت به نقطه مطلوب



طرح نو؛ زهرا ژرفی مهر

نقش رسانه‌ها و دانشگاهیان در این میان بسیار مهم است. انعکاس دقیق پیشرفت‌ها، نقد محترمانه سیاست‌ها و بازتاب مسیرهای اصلاح، حلقه واسط میان دولت و جامعه را تقویت می‌کند. رسانه‌ها می‌توانند فضای آرام، واقع‌بینانه و امیدبخش ایجاد کنند و مانع از آن شوند که روایت‌های مخدوش دشمن، ذهنیت عمومی را دچار بی‌اطمینانی سازد.

امروز کشور در پیچ تاریخی مهمی قرار دارد؛ از یک‌سو فشارهای خارجی و جنگ اقتصادی ادامه دارد و از سوی دیگر نیاز به اصلاحات اساسی و تصمیم‌های شجاعانه کاملاً محسوس است. در چنین شرایطی، کوچک‌ترین اختلاف‌افکنی یا بزرگ‌نمایی ضعف‌ها می‌تواند هزینه‌های سنگینی بر جامعه تحمیل کند. برخلاف آن، حمایت هوشمندانه از دولت، پشتوانه اجتماعی لازم برای اجرای طرح‌های ملی را فراهم می‌کند و همان «تقویت امید ملی» است که رهبر انقلاب بر آن تأکید داشته‌اند.

البته دولت نیز باید قدر این حمایت را بداند. کار جهادی، پاکدستی، نظم مدیریتی و پاسخگویی دقیق، پایه اعتماد عمومی را تقویت می‌کند. رابطه میان دولت و ملت زمانی به نقطه مطلوب می‌رسد که این دو در حرکتی هم‌افزا به پشتوانه یکدیگر تبدیل شوند؛ مردم با حمایت و دولت با کارآمدی، این هماهنگی را کامل می‌کنند. چنین ترکیبی است که می‌تواند بسیاری از مشکلات کشور را با سرعت بیشتر و هزینه کمتر حل کند.

به همین دلیل، حمایت از دولت در این مقطع، صرفاً یک موضع‌گیری سیاسی نیست؛ یک وظیفه ملی و بخشی از مسئولیت همه ما در مسیر پیشرفت و اقتدار ایران است.

رهبر انقلاب در سخنان اخیر خود با تأکید بر اینکه «کمک به دولت، کمک به کشور است»، یک معیار روشن برای رفتار سیاسی و اجتماعی جامعه بیان کردند؛ معیاری که فراتر از مرزبندی‌های جناحی، ضامن پیشبرد برنامه‌های ملی است.

این تأکید، در فضایی بیان شد که دشمنان ایران با جنگ ترکیبی، عملیات روانی و ایجاد شبهه نسبت به آینده، تلاش می‌کنند امید مردم را هدف بگیرند. بنابراین، همراهی با دولت قانونی و خدمتگزار نه یک توصیه سیاسی معمول، بلکه یک ضرورت راهبردی برای ثبات ملی است.

حمایت از دولت، هرگز به معنای تعطیل کردن نقد یا چشم بستن بر ضعف‌ها نیست. رهبر انقلاب بارها فرموده‌اند که «مطالبه‌گری متصفانه» و «نقد مسئولانه» جزئی از کمک به دولت است. معنای حمایت این است که نخبگان، رسانه‌ها و مردم با پرهیز از تخریب و حاشیه‌سازی، به اجرای تصمیمات درست و اصلاح ساختارهای ناکارآمد یاری برسانند. دولت زمانی می‌تواند در مسیر حل چالش‌های اقتصادی، معیشتی و توسعه‌ای پیش برود که جامعه در برابر فشارهای بیرونی و تحرکات ناامیدکننده، یکپارچگی و عقلانیت نشان دهد.

دانشگاه، کانون حل معمای هویت ایرانی



بدون آنکه روح فرهنگی خود را قربانی کنیم؟ این امر مستلزم خلاقیت هویتی است؛ نه صرفاً بازتولید گذشته. با درک این سه‌گانه بحران، نقش دانشگاه در شانزدهم آذر بیش از هر زمان دیگری برجسته می‌شود. دانشگاه، اگرچه خود محل بروز این تضادهاست، اما تنها نهادی است که پتانسیل حل این معما را در خود دارد. دانشجو باید از حالت منفعل خارج شده و نقش پلی میان گذشته و آینده را ایفا کند.

هویت اصیل ایرانی در قرن بیست و یکم، هویتی نیست که گذشته را انکار کند، بلکه هویتی است که توانایی هضم علم و نقد سنت را به طور همزمان داشته باشد.

این یعنی اینکه دانشجو باید بتواند هویت قومی خود را در چارچوب یک جهان‌بینی ملی منسجم جای دهد؛ بداند که تنوع، ضعف نیست، بلکه عمق تاریخی هویت ایرانی است. او باید پلی باشد که گفتگو میان هویت‌های محلی و مفهوم فراگیر «ایرانی بودن» را ممکن سازد.

روز دانشجو، روز یادآوری این وظیفه سنگین است. دانشجو باید بداند که حل معمای هویت، یک فرآیند انزاعی نیست، بلکه محصول مستقیم تعهد او به تفکر اصیل در محوطه علم است. از این رو، دانشگاه باید از فضای سرد و منفعل خارج شده و به کانون فعالی برای بازسازی معنایی هویت ایرانی تبدیل شود. ما به دانشجویانی نیاز داریم که نه تنها مسائل را حل کنند، بلکه بدانند برای چه چیزی باید زندگی کرد و چه هویتی باید ساخت. تنها در این صورت، سرمایه آزرما، جای خود را به گرمای خلاقیت فکری خواهد داد و دانشگاه، کانون نجات‌بخش معمای هویت ایرانی خواهد شد.

و اگر فراهم می‌آورد و پتانسیل وحدت ملی را تضعیف می‌کند. دانشجو باید بیاموزد که چگونه پیوند میان ریشه‌های قومی خود را با درخت تنومند هویت ملی پیوند دهد، به گونه‌ای که هیچ کدام دیگری را نفی نکنند. «هویت ایرانی» باید مظهری از این همزیستی باشد، نه صرفاً پوششی برای قومیت غالب.

۲- بحران عقلانیت و ایمان: دومین رکن بحران هویت، در تقاطع میان عقلانیت مدرن و ایمان سنتی ریشه دارد. دانشگاه، به طور ذاتی، پرورشگاه عقلانیت نقاد است؛ جایی که نظریه‌های علمی، از زیست‌شناسی کاملی تا نظریات جامعه‌شناسی انتقادی، به چالش کشیده می‌شوند. اما این چارچوب‌های علمی، گاه با چارچوب‌های جهان‌بینی مبتنی بر دین و سنت تعارض می‌یابند. این تعارض، نه یک نزاع ساده میان علم و دین، بلکه یک بحران پارادایمی است. دانشجو با این پرسش اساسی مواجه است: چگونه می‌توانم یک دانشمند (مثلاً فیزیکی‌دان یا جامعه‌شناس) باشم که بر اساس منطق و شواهد پیش می‌روم، و همزمان، فردی با باورهای عمیق دینی باشم که مبتنی بر ایمان و وحی است؟ تلاش برای پاسخ به این پرسش، در برخی موارد منجر به دوگانگی هویت می‌شود؛ فردی که در کلاس‌های دانشگاه، از چارچوب‌های علمی دفاع می‌کند، اما در خلوت خود، جهان‌بینی‌اش بر اساس تفسیرهای بسته و غیرنقدانه شکل گرفته است. بحران زمانی شدیدتر می‌شود که مرجعیت پاسخ‌ها از گفتمان علمی و فلسفی به سمت روایت‌های ساده‌ساز هدایت شود. راه حل در تلفیق این دو نیست، بلکه در یافتن نحوه نگارش نقادانه‌ای است که بتواند هم اعتبار عقل را پاس بدارد و هم عمق معنا را.

۳- بحران اصالت و تقلید: سومین و شاید خطرناک‌ترین جنبه بحران هویت، در حوزه فرهنگ و سبک زندگی رخ می‌دهد. جهانی‌شدن، به ویژه از طریق ابزارهای نوین ارتباطی، جریان دائمی و فرآیندهای از الگوهای مصرف، زیبایی‌شناسی و ارزش‌های غربی را به جامعه ایران سرازیر کرده است.

و دانشجوی امروزی، در معرض این دو راهی است؛ یا ناخودآگاه تبدیل به مصرف‌کننده صرف محصولات فرهنگی و سبک زندگی بیگانه شود، یا توانایی آن را بیابد که از این مؤلفه‌ها به عنوان ماده خام استفاده کرده و هویتی اصیل و بومی خلق کند. خطر تقلید کورکورانه این است که اصالت ایرانی، به تدریج نهدی شده و جای خود را به شکلی از بیگانگی فرهنگی دهد که تنها ظواهر را حفظ کرده است. ما نیازمند دانشجویی هستیم که بتواند با حفظ تعهد به دانش و تکنولوژی جهانی، فیلتر نقادانه‌ای در برابر ورود بی‌قید و شرط فرهنگ‌ها داشته باشد. معمای اینجا این است که چگونه می‌توانیم مدرن‌ترین علوم و فناوری‌ها را جذب کنیم،

طرح نو؛ سردبیر شانزدهم آذر، روز دانشجو، در تقویم ایران همواره نمادی از آرمان‌خواهی، عدالت‌طلبی و بیداری بوده است؛ اما این روز، در دهه جاری، بیش از آنکه بهانه‌ای برای جشن باشد، فرصتی است برای بازبینی ژرف در چیستی هویت ما. دانشگاه، که قرار بود قلب تپنده تفکر نقاد و محل تلاقی سنت و تجدد باشد، امروز خود در میانه‌ی طوفان «معمای هویت» گرفتار شده است. هویت ایرانی-اسلامی ما، در تقاطع خطرناک جهانی‌شدن، با سرعت سرسام‌آور تغییرات فرهنگی و تکنولوژیک، و از سوی دیگر، درگیر با ریشه‌داری‌های سنتی و تاریخی خود، در حال دست و پنجه نرم کردن است. این تقاطع، فضایی را ایجاد کرده که در آن، دانشجو بیش از هر قشر دیگری، در معرض شکاف‌های هویتی قرار دارد. آیا ما وارثان تمدنی کهن هستیم یا مقلدانی صرف؟ آیا آرمان‌هایمان منطبق با نیازهای روز است یا در گرداب گذشته مدفون شده‌اند؟ این پرسش‌ها، سرمایه آذر را در جان گفتگوهای روزمره دانشگاهیان می‌افزاید.

روز دانشجو، یادآور این حقیقت است که دانشجو نه صرفاً یک دریافت‌کننده آموزش، بلکه یک سازنده آینده است. اما سازنده چه چیزی؟ اگر زیربنای فکری ما در باب «من کیستم؟» متزلزل باشد، هر بنایی که بر آن نهاده شود، محکوم به فروپاشی است. امروز، معمای هویت ایرانی، بزرگترین چالش پیش روی گفتمان دانشگاهی ماست.

بحران هویت در جامعه ایرانی امروز، به ویژه در میان نخبگان جوان دانشگاهی، محصول پیچیده‌ای از تعامل نیروهای درونی و فشارهای بیرونی است. این بحران را می‌توان در سه رکن اساسی تحلیل کرد که هر کدام چالشی جدی برای انسجام ملی و فکری ایجاد کرده‌اند:

۱- تنش میان قبیله و ملت: یکی از بارزترین نشانه‌های شکاف هویتی، در فضای مباحث مربوط به قومیت و ملیت نمایان می‌شود؛ تنش میان تعلقات بنیادین قبیله‌ای و هویت فراگیر ملی. ایران، سرزمینی با تنوع قومی بی‌نظیر است؛ آذری، کرد، لر، بلوچ، عرب و فارس، هر یک دارای فرهنگ، زبان و تاریخچه‌ای غنی هستند. چالش زمانی آغاز می‌شود که این تعلقات محلی و قومی، در تقابل مستقیم با مفهوم «هویت ملی ایرانی» قرار می‌گیرند. در محافل دانشجویی، گاه شاهد طرح این پرسش هستیم که آیا مرزهای مصنوعی ناسیونالیسم مدرن، توانایی پوشش دادن عمیق‌ترین لایه‌های تعلقات فردی را دارند؟ وقتی فردی در مقام تعریف خود، قومیت خود را مقدم بر شهروندی ایرانی قرار می‌دهد، در واقع شکافی عمیق در ساختار هویتی جامعه پدید آمده است. این وضعیت، زمینه‌ای برای سوءاستفاده نیروهای

«هاکان فیدان» در جست‌وجوی «معماری امنیتی جدید»؛

همگرایی ایران و ترکیه در سوریه؟

گزارش

طرح نو؛ سردبیر

غرب آسیا در سال‌های اخیر شاهد بازآرایی شدیدی در ساختار قدرت بوده است. از بحران سوریه تا جنگ قفقاز جنوبی و بازگشت تنش‌های فلسطین و حملات ۱۲ روزه محور غرب به ایران، همه نشانه‌های دوران گذارند؛ دورانی که در آن قدرت‌های منطقه‌ای چون ایران و ترکیه در حال بازتعریف نقش خود در نظم چندقطبی ترهستند.

در همین چارچوب، سفر اخیر «هاکان فیدان» وزیر امور خارجه جدید ترکیه به تهران - که یکی از معدود سفرهای رسمی خارجی او پس از انتصابش بود - پیام‌هایی فراتر از عرف دیپلماتیک دارد.

فیدان، که سال‌ها رئیس سازمان اطلاعات ترکیه (میت) و یکی از معماران سیاست امنیتی اردوغان بوده، اکنون در مقام وزیر خارجه، پروژه‌ای بلندمدت را دنبال می‌کند: ایجاد یک «معماری امنیتی جدید منطقه‌ای» با محوریت بازیگران محلی. و به نظر می‌رسد که ایران در این معادله برای آنکارا نقشی کلیدی پیدا کرده است؛ نه تنها به‌عنوان همسایه‌ای با نفوذ عمیق در تحولات سوریه، بلکه به‌عنوان کشوری که می‌تواند توازن قدرت را در محورهای شمال و جنوب ترکیه تعیین کند؛ از قفقاز تا مدیترانه.

از قفقاز تا سام زمین بازی جدید قدرت

تحولات اخیر قفقاز جنوبی - به‌ویژه پیروزی جمهوری آذربایجان در بازپس‌گیری کنترل قره‌باغ - باعث شد ترکیه جایگاهی تازه و پررنگ در ژئوپلیتیک شمال غرب ایران بیابد. این پیروزی اگرچه برای آنکارا یک موفقیت ژئوپلیتیکی بود، اما از نگاه تهران تهدیدی بالقوه نیز محسوب می‌شد؛ گسترش نفوذ ترکیه و اسرائیل در مرزهای شمالی ایران.

با این حال، سفر فیدان به تهران درست پس از تثبیت وضعیت جدید در قفقاز، نشان داد که دولت اردوغان تمایل دارد به‌جای تداوم بازی صفر و صدی با ایران، نوعی تقسیم کار منطقه‌ای تعریف کند. سیاست‌مداران در آنکارا می‌دانند که بدون هماهنگی با تهران، هیچ نظم پایداری در خاورمیانه ممکن نیست؛ از مسیر انرژی و ترانزیت گرفته تا مسئله سوریه.

در سال‌های نخست بحران سوریه، ایران و ترکیه در دو جبهه کاملاً متقابل قرار داشتند. ترکیه خواهان برکناری بشار اسد و حمایت از مخالفان بود، درحالی‌که ایران با تمام ظرفیت از دمشق حمایت کرد. اما از ۲۰۱۶ به بعد، با گسترش تهدید گروه‌های



کرد در مرزهای جنوبی ترکیه و کاهش حمایت غرب از آنکارا، دیدگاه ترکیه تغییر یافت. نشست‌های آستانه، که با همکاری سه کشور ایران، روسیه و ترکیه شکل گرفت، نقطه آغاز فرآیند کاهش تنش میان تهران و آنکارا بود. هرچند اختلاف نظر عمیق درباره آینده سیاسی سوریه همچنان پابرجا بود.

امروز اما با روی کار آمدن فیدان در وزارت خارجه، نگاه امنیت‌محور و عملگرایی ترکیه در سیاست خارجی تقویت شده است. فیدان برخلاف سلف خود «چاووش‌اوغلو» که بیشتر زبان سیاسی داشت، فردی با سابقه امنیتی است که روابطش با مقامات ایرانی در دوره ریاست بر سازمان میت نقش مهمی در پرهیز از بحران‌های غیرقابل کنترل ایفا کرده بود.

اهداف دیپلماسی فیدان؛ از تطبیق تا توازن

مفهوم «معماری امنیتی» در ادبیات دیپلماتیک فیدان، به معنای ساختن چارچوبی است که کشورهای منطقه بدون دخالت مستقیم قدرت‌های فرامنطقه‌ای بتوانند امنیت خود را مدیریت کنند. از نظر آنکارا، جهان پس از اوکراین وارد مرحله‌ای شده است که در آن آمریکا دیگر توان کنترل هم‌زمان چند بحران را ندارد. در نتیجه، فرصت برای قدرت‌های متوسط (مانند ایران و ترکیه) فراهم شده تا نقش تأثیرگذارتر و مستقل‌تری در تأمین امنیت منطقه برعهده گیرند.

هم با غرب همکاری کند و هم با شرق تعامل؛ به شرطی که امنیت ملی خود را بر مبنای قدرت منطقه‌ای تعریف کند، نه دیکته‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای.

آیا ایران و ترکیه می‌توانند الگوی همکاری در دل رقابت باشند؟!

تهران و آنکارا از دیرباز دو قطب فرهنگی و سیاسی جهان اسلام بوده‌اند. رقابت بر سر نفوذ در آسیای مرکزی، خلیج فارس و قفقاز همواره وجود داشته؛ ولی هم‌زمان نیاز متقابل اقتصادی و ژئوپلیتیک نیز دو کشور را به هم پیوند داده است. حجم تجارت دو جانبه که هدف‌گذاری آن ۳۰ میلیارد دلار در سال شده، نمادی از همین درهم‌تنیدگی است.

در حوزه امنیت، تهدیدات مشترکی مثل گروه‌های افراطی، تروریسم منطقه‌ای، قاچاق مواد مخدر و بحران مهاجرت، دو کشور را ناگزیر به همکاری کرده است. ترکیه می‌داند که بدون هماهنگی امنیتی با ایران نمی‌تواند مرزهای شرقی خود را کنترل کند و ایران نیز به نقش ترکیه در ثبات قفقاز و سوریه آگاه است. تحلیلگران روابط بین‌الملل این وضعیت را «رقابت کنترل‌شده» می‌نامند؛ الگویی که در آن بازیگران منطقه‌ای با وجود اختلاف منافع، از برخورد مستقیم پرهیز می‌کنند و از طریق نهادسازی منطقه‌ای، خطوط قرمز یکدیگر را به رسمیت می‌شناسند. با در نظر گرفتن تجربه سازوکار آستانه و هماهنگی‌های میدانی در شمال سوریه، می‌توان گفت ایران و ترکیه تا حدی توانسته‌اند مدلی از مدیریت بحران از طریق گفت‌وگو را تمرین کنند. هرچند هنوز به سطح اعتماد استراتژیک نرسیده‌اند.

سایه تل آویو و واشنگتن بر سر همگرایی تهران و آنکارا

در مسیر همگرایی تهران و آنکارا، دو عامل بازدارنده اصلی وجود دارد: روابط ناپایدار ترکیه با اسرائیل و تنگناهای ساختاری در روابط ترکیه و آمریکا. روابط ناپایدار ترکیه با اسرائیل: ترکیه و اسرائیل با وجود فراز و فرودهای زیاد هنوز روابط اقتصادی و امنیتی پنهانی دارند. هرگونه شدت گرفتن درگیری ایران و اسرائیل می‌تواند بلافاصله بر روابط تهران و آنکارا تأثیر بگذارد. با این که در حال حاضر، به نظر نمی‌رسد دو کشور به وضعیت درگیری مستقیم برسند، اما درگیری نیابتی در سوریه یا دریای مدیترانه محتمل است.

بازی دوگانه ترکیه با غرب و شرق

سیاست ترکیه در سال‌های اخیر پارادوکسیال بوده است. به عنوان نمونه این کشور هم‌زمان عضو ناتو و متحد غرب، و هم شریکی نزدیک برای روسیه و ایران در زمینه‌های انرژی، امنیت و اقتصادی بوده است. به نظر می‌رسد که فیدان تلاش دارد این پارادوکس را از وضعیت «تناقض» به سمت «توازن» ببرد. او معتقد است ترکیه می‌تواند

گزارش

تنگناهای ساختاری در روابط ترکیه و آمریکا؛ تنش میان ترکیه و آمریکا بر سر پرونده‌های سوریه، کردها و خرید سامانه دفاعی از روسیه، فضای مانور آنکارا را گسترده کرده اما هم‌زمان فشارهای سیاسی شدیدی هم ایجاد نموده است. هرچقدر فاصله ترکیه و واشنگتن بیشتر شود، نزدیکی به تهران آسان‌تر خواهد بود و برعکس.

امنیت مشارکتی در غرب آسیا

دوران تازه خاورمیانه، دیگر دوران هژمونی یک قدرت نیست. ایران، ترکیه، عربستان سعودی و مصر هر یک در تلاش‌اند در چارچوبی چندقطبی نفوذ خود را تثبیت کنند. در این میان، مدل همکاری سه‌جانبه ایران-ترکیه-روسیه در سوریه ممکن است به الگوی جدیدی از امنیت جمعی در خاورمیانه تبدیل شود. این الگو، اگر از مرحله تاکتیکی فراتر رود، می‌تواند به مرور جایگزینی برای معماری امنیتی آمریکامحور در منطقه شود؛ هرچند پیچیدگی‌های ژئوپلیتیکی، روند را کند می‌کند. از منظر ایران، نزدیکی به ترکیه و همکاری امنیتی در چارچوب «آستانه ۲» یا سازوکارهای تازه می‌تواند مزایایی جدی داشته باشد. از جمله؛ کاهش فشار ژئوپلیتیکی بر شمال غرب ایران؛ محدود کردن نفوذ اسرائیل در قفقاز و مدیترانه؛ افزایش قدرت چانه‌زنی در بحران سوریه و بازسازی آن و تقویت مسیرهای ترانزیتی و انرژی (کردیور شمال-جنوب در برابر زنگرور). در مقابل، ترکیه نیز از ایران به‌عنوان وزنه تعدیل‌کننده در برابر روسیه و حتی جهان عرب بهره می‌گیرد. اما آنکارا نگران است که نزدیکی بیش از حد به تهران، آن را در برابر غرب در موقعیت دشواری قرار دهد. به همین علت، فیدان در پی مدل «همکاری انتعاط‌پذیر» است. یعنی نوعی همکاری در پرونده‌های مورد توافق، و حفظ اختلاف در حوزه‌های حساس.

میان رقابت و همزیستی؛ به سوی نظم منطقه‌ای نو

در مجموع، سفر فیدان به تهران را باید در چارچوب «یوپی‌ای» در حال شکل‌گیری نظم منطقه‌ای جدید» تفسیر کرد؛ نظمی که در آن قدرت‌های منطقه‌ای به دنبال امنیت مشارکتی هستند نه امنیت وابسته. ایران و ترکیه، با همه تفاوت‌های تاریخی و ایدئولوژیک، به درک مشترکی از تهدیدهای جدید رسیده‌اند. و آن چیزی نیست جز فروپاشی مرزهای مصنوعی، بحران انرژی، مهاجرت، تروریسم و دخالت بی‌پایان بازیگران خارجی! اگر دو کشور بتوانند رقابت خود را به فرصت همکاری تبدیل کنند، شاید خاورمیانه بعد از دهه‌ها آشوب، برای نخستین بار شاهد نظم بومی و پایدار باشد. و «معماری امنیتی جدید» که فیدان از آن سخن می‌گوید، بیش از آنکه نقشی نظامی باشد، یک چارچوب فکری است؛ چارچوبی که مسیرش از تهران می‌گذرد.

گزارش

گفتگوی خواندنی با مردی علیه محال!

دنیال قاتل بروسلی نگرید، اینجاست!



نونهالان ما در مسابقات زنجان مقام اول را کسب کردند. کسب شده و به این موضع افتخار می‌کنیم.

بایستی روی این موضوع کار کنیم و تمرکز را هماهنگ با جسم و تمرینات فیزیکی پیش ببریم.

بهترین رزمی کار جهان شدم اما کسی خبر نداشت

نام شما به عنوان بهترین ورزشکار رزمی جهان مطرح شد، در این مورد هم توضیح بدهید. برترین‌های دنیا در رشته‌های مختلف ورزشی در هر سال انتخاب می‌شوند. شکر خدا در بحث رزمی توانستم به عنوان نماینده مردم شهرم و استان به عنوان برترین رزمی کار در جهان معرفی شوم. متأسفانه این موضوع بازتاب زیادی نداشت و حتی پیام تبریکی هم غیر از چند نفر از مسئولان شهرم ندیدم. من تمام هزینه‌های ثبت نام تبریز، مرند و تراکتور در کتاب گینس را از جیبم پرداخت کردم و هیچ انتظار مالی ندارم، چون همان‌طور که گفتیم، تراکتور برای من هويت است و به خاطر عشقم این کار را کردم.

همه ما باید برای حمایت از تیم‌مان هزینه کنیم، این هزینه هم روحی و روانی و هم می‌تواند مالی باشد. خدا را شکر فردی مانند آقای زنونزی با قدرت از این تیم حمایت می‌کند و می‌تواند به هر چیزی که نیاز دارد برسد، اما ما هم با چنین کارهایی می‌خواهیم به تیم‌مان روحیه و قدرت بیشتری بدهیم. در مورد عدم پوشش خبر عنوان بهترین رزمی کار جهان نیز شاید مسئولان استان می‌خواهند یک روز مرا سورپرایز کنند.

عشق و عرق به وطن در خون من است

آیا نقطه‌ای بوده که خواسته باشید برای همیشه ورزش رزمی را کنار بگذارید؟ مشکل مالی در برهه‌ای از زمان فشار زیادی بر من وارد کرد. با توجه به اینکه کشور آذربایجان و ترکیه از من حمایت کرده و حق تابعیت می‌دادند تا برای آنها رکوردزنی کنم، اما چون شهرم را دوست داشتم، ترجیح دادم قهرمانی‌ها به نام خاک خودم ثبت شود. هر انسان به کشورش عرق ملی دارد به همین دلیل در همین‌جا و با توکل بر خدا کارم را پیش بردم و خدا را شکر توانستم رکوردهایی که در دنیا و به دست افراد صاحب نام آمریکایی و... بود را بشکنم.

در باشگاه‌داری هم فعالیت می‌کنید؟ من از سال ۱۳۸۳ در مرند باشگاه‌داری می‌کنم و مربیگری آن هم بر عهده خودم است. ۴۰۰ هنرجو هم دارم که اکثراً در بخش انفرادی جزو قهرمانان کشور هستند و در بخش تیمی نیز معمولاً به مقام اول دست پیدا می‌کنیم این ۴۰۰ نفر بیمه‌شده و سازمان‌یافته هستند. می‌توانم بگویم که ما نخستین باشگاه در کشور هستیم که ۴۰۰ ورزشکار زیر نظر یک مربی در آن فعالیت می‌کنند.

اگر تمرکز نباشد، ورزشکار سقوط می‌کند

آناج: گفته می‌شود تمرکز نقش ویژه‌ای در موفقیت در ورزش رزمی دارد، نظر شما در این باره چیست. همواره ذهن و تلقین می‌تواند تاثیر زیادی در این موضوع داشته باشد. اگر باور داشته باشیم، می‌توانیم به نتیجه برسیم. اگر آرامش نداشته باشیم نخواهیم توانست عملکرد لازم را از خود به نمایش بگذاریم. چه در ورزش‌های رزمی و چه غیررزمی، تمرکز نقش ویژه و مهمی دارد.

طرح‌نو؛ گروه ورزش بخش دوم ...

اولینی به نام باشگاه تراکتور

واکنش هواداران تراکتور نسبت به رکوردهایی که شما ثبت کرده‌اید به خصوص رکوردهایتان به نام تراکتور چه بوده است؟

با توجه به اینکه تراکتور یک هويت برای ما محسوب می‌شود، هواداران تراکتور نیز همواره در مسابقات مختلف به صورت منسجم از کسانی که به نام تراکتور در مسابقات شرکت کرده‌اند، حمایت می‌کنند ما همواره پشتیبان هم هستیم. این اتحاد وجود دارد، یعنی همدیگر را تنها نگذاشته‌ایم و هواداران هم از من حمایت کرده‌اند.

امروز تراکتور اولین باشگاهی است که نامش در کتاب گینس به همراه تبریز ثبت شده است. به همین دلیل هم هواداران به این فخر می‌کنند و هم به من انگیزه می‌دهند که بیشترین و بهترین رکوردها را ثبت کنم. این بزرگترین انگیزه برای من محسوب می‌شود تا بتوانم رکوردهای بیشتری را به ثبت برسانم.

ادامه

تبلور غیرت آذربایجان

شما در رکوردتان تبریز و مرند را هم ثبت کرده‌اید، در این باره بگویید.

چون من اصالتاً مرندی هستم، اولین رکوردم را به نام مرند ثبت کردم چراکه زادگاه من بوده است. در آنجا هم تنها شرکت آدمیرال آذربایجان از بنده حمایت کرد. مشاور ثبت رکورد گینس هم به آنجا آمد و به ثبت رکوردمان کمک کرد. خدا را شکر می‌کنم که توانستم رکورد را بشکنم و نام آدمیرال آذربایجان در کنار مرند به عنوان یکی از اولین کارخانجات در گینس ثبت شد.

از مجموع رکوردهایی که ثبت کرده‌اید، بهترین خاطره‌تان چه بوده است؟

شبکه آموزش مصاحبه‌ای با من داشت که آقای کرمی مجری آن بود. در آن برنامه در مورد رکوردها صحبت شد و از من پرسیدند که آیا می‌توانم رکوردهایم را در همان‌جا نشان دهم؟



شرکت توزیع نیروی برق آذربایجان شرقی (سامی‌فارس)

آگهی تجدید مناقصه عمومی دو مرحله ای

شرکت توزیع نیروی برق آذربایجان شرقی در نظر دارد از طریق برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله ای نسبت به واگذاری عملیات به شرح جدول ذیل اقدام نماید.

ردیف	موضوع تجدید مناقصه	شماره مناقصه	شماره فراخوان در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت	سپرده شرکت در مناقصه (ریال)
۱	خرید انواع ترانسفورماتور روغنی سه فاز	۱۱۲/۱۴۰۴	۲۰۰۴۰۰۵۰۹۰۰۰۰۱۱۳	۷,۸۲۸,۸۱۵,۰۰۰

در صورت تمایل به شرکت در مناقصه رعایت نکات ذیل الزامی است .

۱- زمان و محل و نحوه دریافت اسناد: از تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۶ لغایت ۱۴۰۴/۰۹/۲۰، به سایت سامانه تدارکات الکترونیک دولت مراجعه و نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند.

«سامانه تدارکات الکترونیک دولت - (دریافت اسناد)»
 «پایگاه اطلاع رسانی معاملات شرکت توانیر به آدرس - (ملاحظه آگهی)» www.setadiran.ir
www.tavanir.org.ir

۲- آخرین مهلت و محل تحویل و بازگشایی پاکات: پیشنهاددهندگان ضمن بارگذاری تصویر کلیه مدارک پاکت های (الف، ب، ج) در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت تا ساعت ۰۹:۳۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۶، نسبت به تحویل اصل پاکت الف طبق شرایط درج شده در اسناد مناقصه تا ساعت ۱۰:۳۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۶ به دبیرخانه مرکزی شرکت به آدرس تبریز بلوار

استاد شهریار خیابان گلکار شرکت توزیع نیروی برق آذربایجان شرقی اقدام نمایند. زمان بازگشایی پاکات ارزیابی کیفی پیشنهادات واصله ساعت ۱۱:۰۰ روز شنبه ۱۴۰۴/۱۰/۰۶ خواهد بود. بازگشایی پاکت مناقصه (الف، ب، ج) پس از ارزیابی کیفی شرکت کنندگان در ساعت ۱۱:۰۰ روز یکشنبه ۱۴۰۴/۱۰/۰۷ خواهد بود.

۳- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است .

۴- پیشنهاد دهنده مکلف است معادل مبلغ سپرده تضمین های معتبر از جمله واریز نقدی ، ضمانتنامه بانکی و ... اقدام و در پاکت الف ارائه نماید . توضیح اینکه به پیشنهادهای فاقد سپرده ، سپرده های مخدوش ، سپرده های کمتر از میزان مقرر ، چک شخصی و فاقد امضاء، مشروط و پیشنهادهای که بعد از انقضای مدت مقرر در بند ۲ آگهی مناقصه واصل شود مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد .

۵- هزینه چاپ آگهی در روزنامه به عهده برنده مناقصه می باشد.

شرکت توزیع نیروی برق آذربایجان شرقی

روزنامه طرح نو شناسه آگهی: ۲۰۶۶۲۳۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۹/۱۶ م الف: ۱-

شعر

شتابِ شباب



شباب عمر عجب با شتاب می‌گذرد
بدین شتاب خدایا شباب می‌گذرد
شباب و شاهد و گل مغتنم بود ساقی
شتاب کن که جهان با شتاب می‌گذرد
خوش آن دقایق مستی که زیر سایه بید
به ناله دف و چنگ و رباب می‌گذرد
به چشم خود گذر عمر خویش می‌بینم
نشسته‌ام لب جویی و آب می‌گذرد
به روی ماه نیاری حدیث زلف سیاه
که ابر از جلو آفتاب می‌گذرد
غبار آینه دل حجاب دیده ماست
وگر نه شاهد ما بی‌نقاب می‌گذرد
چه الفتی‌ست میان من و سر زلفش
که عمر من همه در پیچ و تاب می‌گذرد
خراب گردش آن چشم جاودان‌مستم
که دور جام جهان خراب می‌گذرد
به یاد نرگس مست تو تا شدم مخمور
خیال خواب به چشمم به خواب می‌گذرد
به آب و تاب جوانی چگونه غره سدی
که خود جوانی و این آب و تاب می‌گذرد
به زیر سنگ لحد استخوان پیکر ما
چو گندمی است که از آسیاب می‌گذرد
کمان چرخ فلک شهریار در کف کیست
که روزگار چو تیر شهاب می‌گذرد
«شهریار»

یادداشت:

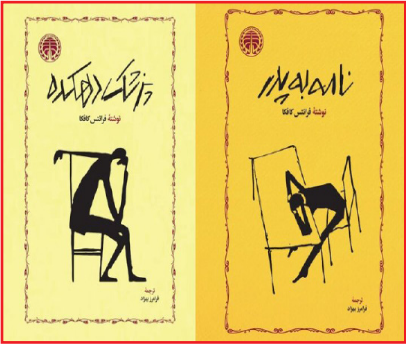
مادران شهدا؛ قطره اشک و آینه عشق



طرح نو؛ رقیه غلامی
مادران شهدا هر وقت اراده کنی به گرمی قبولت می‌کنند و دل به دلت می‌دهند برای روایت روزهای تلخ و شیرین روزگار، هر قطره‌ای که گوشه چشمشان پیدا می‌شود چون آینه‌ای عشق فرزندان را منعکس می‌کند.
مادران شهدا نشانه‌های صیوری اند، نشانه‌هایی که وقتی سراغشان می‌روی آرام می‌شویم، نگاهشان پر از امید است و حرف‌هایشان تسکین‌آمیز.
مادرانی که هر وقت اراده کنی با گرمی قبولت می‌کنند و دل به دلت می‌دهند برای روایت روزهای تلخ و شیرین روزگار و هرگز خم به ابرو نمی‌آورند.
مادر شهید محمدرضا فخری از شهدای مدافع حرم جزو همین مادران نجیب و محجوب است، هر وقت دیداری داشتیم، در سکوت خویش و با مهربانی اش مادری کرد و تا سوالی شد با طمأنینه‌ای که انگار با شهادت فرزندش بیشتر شده لب به سخن گشود و از تولد تا شهادت پسرش را شیرین‌تر از گذشته روایت کرد، فرزندی که با تولدش عطر خاصی به خانه آورد و گاهی که به خواب مادر می‌آید و برای نماز بیدارش می‌کند همان عطر در فضای خانه دوباره امید می‌پراکند.
مادر شهید حامد جوانی از شهدای مدافع حرم، فعال و مسجیدی هر وقت دیداری دست داد با لبخندی که از نگاهش جاری است از سر مهر پذیرای ما می‌شود و همیشه با تواضع در جلسات حضور می‌یابد، مادری که فرزند دلپندش حامد در نتیجه رضایت قلبی او نشان لیاقت از علمدار کربلا گرفت و آسمانی شد.
مادر شهیدان سیروس، رسول و اصغر گرمی که همسر جانباز نیز بود، از جمله همین مادرانی است که با وجود

معرفی کتاب

دو اثر از کافکا راهی بازار کتاب شد



طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب تجدید چاپ «پزشک دهکده» و «نامه به پدر» در انتشارات خوارزمی با حروفچینی جدید انجام شد.
کتاب‌های «پزشک دهکده» و «نامه به پدر» دو اثر محبوب کافکا هستند که در انتشارات خوارزمی منتشر شده‌اند. کتاب دیگری که درباره کافکا در این انتشارات چاپ شده «گفت‌وگو با کافکا» اثر گوستاو یانوش است. هر سه این کتاب‌ها را فرامرز بهزاد ترجمه کرده است که از مترجمان بنام زبان آلمانی است. همچنین کتاب «فرهنگ آلمان-فارسی» اثر ارزشمن دیگر این مترجم در خوارزمی است.
کتاب‌های «پزشک دهکده» و «نامه به پدر» که اکنون چاپ جدید آنها وارد بازار کتاب شده است، سال‌ها بود که با حروفچینی سربی منتشر می‌شدند اما اکنون در برنامه جدید انتشارات برای بازطراحی کتاب‌ها مجدداً حروفچینی شده و با شکلی تازه منتشر شده است.

در کتاب «نامه به پدر» تصویری از خط کافکا از نامه‌هایی که به پدرش نوشته به اثر اضافه شده و همچنین تصاویر پدر و مادر کافکا در کتاب درج شده است.
در کتاب «پزشک دهکده» برای هر کدام از داستان‌ها یک طراحی متناسب با فضای داستان‌ها انجام شده که در کتاب چاپ جدید لحاظ شده است. همچنین در طراحی جلد این آثار از طرح‌های خود کافکا استفاده شده است.
گفتنی است؛ چاپ هفتم «نامه به پدر» پس از چند ماه و چاپ پنجم «پزشک دهکده» بعد از ده سال و هردو با قیمت ۲۳۰ هزار تومان منتشر شده است.

اجرای طرح ملی

«تشویق ویژه مربیان حفظ قرآن کریم» در ربايجان شرقی

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب
طرح ملی «تشویق ویژه مربیان حفظ قرآن کریم» هم‌زمان با سراسر کشور در آذربایجان شرقی برگزار می‌شود.
طرح ملی تشویق ویژه مربیان حفظ قرآن کریم به منظور حمایت از مربیان و ارتقای فعالیت‌های آموزشی در حوزه حفظ قرآن کریم در سراسر کشور از سوی مرکز عالی قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اجرا می‌شود.
براساس این گزارش مربیان شرکت‌کننده در این طرح باید حداقل سه جزء از قرآن کریم را حفظ باشند و تصویر مدرک حفظ ۳ جزء یا بالاتر، که

از سامانه حفظ عمومی دریافت کرده اند ، را در سامانه تشویق بارگذاری کنند و یا حداکثر تا ۲۲ بهمن ماه سال جاری در آزمون حفظ ۳ جزء مطابق ضوابط سامانه حفظ عمومی شرکت و پس از اخذ کارنامه قبولی از آن سامانه، تصویر آن را در سامانه Tashwiq.ir بارگذاری کنند.
در این طرح، مربیان بر اساس تعداد قرآن‌آموزان تربیت‌شده مورد تشویق نقدی قرار می‌گیرند که این مهم نقش بسزایی در ایجاد انگیزه، توسعه فعالیت‌های آموزشی و تقویت جریان تربیت حافظان قرآن در استان خواهد داشت.
تمامی مربیان حفظ قرآن ، حتی کسانی که یک



باشد؛ اما نویسنده به شرح مختصر بسنده کرده و از روده‌درازی پرهیز کرده. هر ماجرا یک روایت مختصر از یک واقعت است که اکثرشان یک تصویر زنده برای متولدين دهه شصت هستند. یکی داستان است پر آب چشم، اما نویسنده با قلم طنز زهر ماجرا را گرفته است، آن‌قدری که ممکن است یک دهه هشتادی یا یک دهه نودی همان‌قدر با این کتاب بخندد که در زمان کودکی با کتاب «قصه‌های من و بابام» خندیده. اگر دهه شصتی هستید یک لحظه خودتان را بگذارید جای یک دهه نودی. چطور می‌شود تلویزیونی را تصور کرد که داخل یک کمد پنهان شده و هم‌زمان نقش میز دکوری خانه را هم بازی می‌کند.
خوب شاید نتوانید خودتان را جای یک دهه نودی بگذارید و به جایش آه بکشید به خاطر تلویزیونی که ممکن بود درش قفل باشد یا لامپش سوخته باشد یا اصلاً برقی نباشد که لامپ تلویزیون را روشن کند. اشکالی ندارد. بگذارید دهه هشتادی‌ها و دهه نودی‌ها این کتاب را بخوانند و بخندند و ما دهه شصتی‌ها بخوانیم و آه بکشیم به خاطر قصه پرخنده دهه شصت. یا شست.

ما هم وارد بازی کردند. اما مظلوم ماجرا همیشه دهه شصتی‌ها بودند. بقیه مطالبه‌ها هم‌اشاره ششک است. دهه شصت آن‌قدر دهه عجیبی بود که می‌شود دهه‌ها فیلم و سریال درباره‌اش ساخت و دهه‌ها کتاب درباره‌اش نوشت، که خوشبختانه عده‌ای از هنرمندان این زحمت را متقبل شده‌اند، البته هنوز تعدادشان کافی نیست. بهداد دالوندی یکی از آن دست‌ب‌قلم‌هاست که در کتاب «ما اینگونه ما شدیم» به خاطرات طنز دهه هشتاد پرداخته. ناداستان طنز.
البته بستگی دارد تعریف شما از طنز چه باشد. آیا بعد از خواندن هر روایت توقع قهقهه دارید، یا لبخندی که شما را به فکر فرو برد؟ شاید شمای دهه هفتادی و دهه هشتادی به این اتفاقات بخندید ولی خنده ما دهه شصتی‌ها به اتفاقات کتاب از نوع دوم است. خنده از جنس تفکر. به قول یکی از شخصیت‌های ثابت لطیفه‌های قدیمی: «شاید برای شما جوک باشه، اما ما آن را زندگی کرده‌ایم» مصداق «خنده تلخ من از گریه غم‌انگیزتر است»
فرقی هم نمی‌کند بچه‌ی تهران باشید یا همدان یا گرگان. خیلی از اتفاقات مشترک است و ربطی ندارد که شما در کدام آب‌وهوا متولد شده‌اید. بسیاری از خاطره‌ها بین هشتاد درصد دهه شصتی‌ها مشترک است. بهداد دالوندی نویسنده همین کتاب، اهل گرگان است و متولد سال ۱۳۵۸ ولی خودش را یک دهه شصتی می‌داند.
اما چطور می‌شود یک نفر متولد دهه پنجاه باشد اما خودش را دهه شصتی بداند؟ خود نویسنده این سوال را پاسخ داده: «باید بگویم حق با شماست. در حالت عادی نمی‌شود. اما با یک اصلاح املائی، تناقض حل

«ما اینگونه ما شدیم»

دهه شصتی‌ها روایت می‌کنند

همین دهه شصتی‌ها راه انداختند. حق هم داشتند. یک زمانی ناگهان دهه سی و دهه چهل‌ها در اقدامی هماهنگ تصمیم به ازدیاد نسل گرفتند و زایشگاه‌ها پر شد از بچه‌های طفل معصومی که دشمن داشت روی سرشان بمب می‌ریخت و چون شیرخشک تحریم بود باید شیر پاستوریزه می‌خوردند آن را هم باید والدینشان از مسجد محل نامه می‌گرفتند که بتوانند بیشتر از سهمیه‌شان شیر بگیرند. فلک‌زده‌ها به سن مدرسه که رسیدند باید سه نفری و چهارنفری روی یک نیمکت می‌نشستند و مدام دستشان به هم می‌خورد و کارشان به گیس‌کشی می‌رسید یا مشت و لگد.
سر صندلی دانشگاه هم مکافات داشتند. حتی باید برای دانشگاه آزاد هم کنکور می‌دادند. هم پول می‌دادند هم کنکور. بندگان خدا خیلی‌هاشان پشت در دانشگاه آزاد هم ماندند.
کم‌کم که خواهربرادرها و فامیل‌زاده‌ها و همسایه‌های دهه هفتادی به دنیا آمدند و مدرسه و دانشگاه رفتند تازه دهه شصتی‌ها فهمیدند چقدر زندگی را باخته‌اند. آنها کجا دفتر و مدار فانتزی داشتند؟ کی دوغفره روی نیمکت می‌نشستند؟ کی اجازه داشتند توی جشن تولد همکلاسی‌هایشان شرکت کنند؟ دهه هفتادی‌ها حتی برای دانشگاه رفتن هم زیاد زحمت نمی‌کشیدند. صندلی‌های دانشگاه آزاد خالی مانده بود. خیلی‌هاشان یک فرم ثبت نام پر می‌کردند و یکی دو هفته بعد خبر قبولی‌شان ابلاغ می‌شد. به همین سادگی. اگر درس نمی‌خواندی دانشگاه آزادی بود که بروی لیسانس بگیری.
دهه هشتادی‌های مطالبه‌گر، دهه هفتادی‌ها را هم به فکر انداختند و دهه نودی‌های طیفانگر دهه هشتادی‌ها

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب - فاطمه سلیمانی
دهه شصتی‌ها در میان تحریم‌ها، کنکورها و برق‌های قطع، بزرگ شدند؛ خاطراتشان هم تلخ است و هم خنده‌دار، همان چیزی که «ما اینگونه ما شدیم» به تصویر می‌کشد.
قبل از اینکه ده شصتی‌ها دست چپ‌رواستان را بشناسند و دهه هفتادی‌ها و دهه هشتادی‌ها و هم‌بطن‌ها دهه نودی‌ها پا به عرصه وجود بگذارند، متولدين دهه‌های مختلف با هم هیچ جنگ و نزاعی نداشتند؛ چون همه‌شان مثل هم بزرگ شده بودند. زندگی آدم‌ها در دهه بیست و سی و چهل و پنجاه خیلی فرقی با هم نداشت. بورژواها همان‌هایی بودند که خانه‌های بزرگ دوبلکس و خدمتکار داشتند و دخترهایشان از پله‌های وسط عمارت، پایین می‌آمدند و به دیگران معرفی می‌شدند. این آدم پولدارها همیشه پولدار بودند. یک زمانی ارباب بودند و بعدش شدند سرمایه‌داران شهری. همیشه خدا هم عده‌ای بله قربانگو داشتند.
قشر ضعیف زیر خط فقر هم که در همه دوران‌ها تکلیفش مشخص است. می‌ماند طبقه متوسط که گمان نکنم در گذر دهه‌ها در معرض رخداد ویژه‌ای قرار گرفته باشد که وضعیتشان را با دهه قبل و بعدشان متفاوت کند. یا شاید هم فرق می‌کرده ولی هنوز بلد نبودند به خاطر یک دهه بالا و پایین جنگ راه بیندازند. همین حالا هم هنوز یاد نگرفته‌اند. نهایتش این است که می‌گویند: «ما جلوی بزرگ‌گرا پایمان را دراز نمی‌کردیم و بچه‌ها و جوان‌های این دوره زمانه حرمت و احترام سرشان نمی‌شود» همین حالا هم در جنگ دهه‌ها، دهه پنجاهی‌ها و دهه چهل‌ها و قبلی‌ها هیچ‌کدامشان حضور ندارند. اصلاً جنگ مظلومیت را

«خلیج فارس» بخشی از شناسنامه فرهنگی و تاریخی ملت ایران است

طرح نو؛ مریم رحیمی
نام‌های جغرافیایی، برخلاف تصور عمومی، تنها واژه‌هایی برای اشاره به مکان‌ها نیستند؛ بلکه حامل بار تاریخی، هویتی، فرهنگی و حتی سیاسی‌اند. هر نام جغرافیایی، سندی زنده از حافظه تمدنی یک ملت است و تغییر یا تحریف آن، چیزی فراتر از تغییر یک عنوان، بلکه تلاشی برای بازنویسی تاریخ و قلب حقیقت محسوب می‌شود. در این میان، نام «خلیج فارس» جایگاهی ویژه و بی‌بدیل دارد؛ چراکه نه تنها بخشی از میراث کهن ایران‌زمین را بازتاب می‌دهد، بلکه در طی هزاران سال، در آثار مکتوب و اسناد رسمی تمدن‌های متعدد از شرق تا غرب جهان، با همین عنوان ثبت و تأیید شده است.

مطالعه منابع تاریخی، جغرافیایی و باستان‌شناختی نشان می‌دهد که این نام از دوران بسیار کهن از هخامنشیان تا عصر اسلامی و حتی دوره‌های نوین، به طور یکسان و پیوسته مورد استفاده قرار گرفته است. بدین‌سان، بررسی سیر به‌کارگیری این نام در منابع معتبر، نه تنها ارزش علمی دارد، بلکه پاسداشت واقعیت تاریخی و دفاع از اصالت فرهنگی ایران محسوب می‌شود.

کاربرد اصطلاحات «خلیج فارس» و «دریای پارس» در اسناد رسمی، به دوران هخامنشیان بازمی‌گردد؛ دوره‌ای که از سال‌های ۵۵۰ تا ۳۳۰ پیش از میلاد، یکی از قدرتمندترین و سازمان‌یافته‌ترین حکومت‌های جهان باستان را بنیان نهاد. یکی از اسناد بی‌بدیل در این زمینه، کتیبه داریوش بزرگ است که هنگام حفر کانال سوئز کشف شد و در آن عبارت روشنی دیده می‌شود: «دریایی که از پارس سر می‌گیرد». این سند نه تنها شاهدی مستقیم بر کاربرد واژه پارس در اشاره به پهنه آبی جنوب ایران در سده‌های کهن است، بلکه نشان‌دهنده گستره نفوذ فرهنگی، سیاسی و دریایی ایران در آن دوران می‌باشد.

در دوره ساسانیان نیز، که ۲۲۶ سال به طول انجامید، عنوان «دریای پارس» در اسناد، نقشه‌ها و متون رسمی تداوم یافت. پس از فروپاشی ساسانیان و ورود به عصر اسلامی، این نام همچنان در متون علمی و جغرافیایی، بدون حتی یک استثناء قابل‌توجه، باقی ماند. برای نمونه، در قرن سوم هجری، جغرافی‌دان ایرانی سهراب در کتاب عجائب الاقالیم السبعه به‌صراحت می‌نویسد: «دریای پارس، دریای بزرگی در جنوب است». همین ثبت در کاربرد را احمد بن خردادیه، مشهور به خراسانی، در المسالک و الممالک تأیید می‌کند و محل ریزش رودخانه‌های منطقه را «دریای فارس» توصیف می‌نماید.

در قرن چهارم هجری، محمد الاضطری در کتاب معتبر مسالک الممالک دریای پارس را «بزرگ‌ترین و پهناورترین دریا» می‌نامد و ضمن تعیین دقیق مرزهای جغرافیایی آن، این پهنه را «پهنه معدن مروارید جهان» معرفی می‌کند؛ بیانی که اهمیت اقتصادی و استراتژیک خلیج فارس را در جهان آن روزگار آشکار می‌سازد.

در قرن پنجم هجری، ابوریحان بیرونی، یکی از نام‌آورترین دانشمندان تاریخ بشر در کتاب‌های القانون المسعودی و الفهیم و نیز در نقشه جهانی که از او برجای مانده، از این پهنه آبی با عناوین همچون «بحر فارس»، «خلیج فارس» و «دریای پارس» یاد می‌کند.

این‌بلخی نیز در فارس‌نامه، این دریا را با عناوین «بحر فارس» و «دریای فارس» ثبت کرده است. در منابع عربی، که برخی گمان می‌کنند ممکن است نام دیگری را به‌کار گرفته باشند، اتفاقاً بیشترین تأکید تاریخی بر نام «خلیج فارس» دیده می‌شود. بزرگانی چون ابوحنبل بغدادی در صورة الارض، شمس‌الدین دمشقی در نخبه‌الدهر، جرجی زیدان در تاریخ تمدن اسلامی و دائرةالمعارف معتبر المنجد، همگی بدون استثناء، از اصطلاحاتی نظیر «الخلیج الفارسی»، «بحر فارس»، «البحر الفارسی» و «خلیج العجم» استفاده کرده‌اند؛ و این موضوع نشان می‌دهد که تلاش‌های سیاسی معاصر برای تحریف این نام، هیچ جایگاهی در میراث علمی عربی ندارد، در حوزه تمدن غرب نیز، نام «پارس» حضور پررنگی دارد.

روفوس، مورخ رومی قرن اول میلادی، در کتاب تاریخ تحقیقات جامع اسکندر این پهنه را «آکوآروم پرسیکوم» به معنی «آبگیر پارس» می‌نامد. آریانوس، مورخ یونانی قرن دوم، در تاریخ سفرهای اسکندر از «پرسیکون کای تاس» یاد می‌کند و بطلمیوس، یکی از بزرگ‌ترین جغرافی‌دانان تاریخ، در کتاب جغرافیا عنوان «پرسیکوس سینوس» را ثبت کرده است؛ اصطلاحی که در لاتین و یونانی، صریحاً به معنای «خلیج فارس» است.

بررسی جامع اسناد تاریخی، باستان‌شناختی، جغرافیایی و ادبی نشان می‌دهد که نام «خلیج فارس» نه تنها یک عنوان جغرافیایی، بلکه سندی معتبر و تثبیت‌شده در حافظه جهانی است. این نام در بازه‌های بیش از دو و نیم هزار سال، در تمدن‌های گوناگون از ایران تا یونان، روم، عرب و اروپا، به شکل ثابت و بدون تغییر ذکر شده و جایگاه تاریخی آن از هرگونه ابهام به دور است. ثبت نام خلیج فارس در منابع معتد از سنگ‌نوشته‌های هخامنشی گرفته تا نقشه‌های یونانی، از آثار جغرافیایی اسلامی تا دایرةالمعارف‌های عربی و از نوشته‌های مورخان رومی تا نقشه‌های اروپای قرون میانه، بیانگر یک اجماع علمی و تاریخی است که هیچ تفسیر سیاسی یا تحریف معاصر نمی‌تواند آن را زیر سؤال ببرد. بدین‌سان، «خلیج فارس» نه تنها یک نام، بلکه بخشی از شناسنامه فرهنگی و تاریخی ملت ایران است؛ هویتی که از دل هزاران سال تاریخ برآمده و در حافظه تمدن جهانی جایگاهی استوار و غیرقابل انکار یافته است.

نوجوان ما بیشتر به «سرمشق» نیازمند است تا «عیب جویی»

پرونده‌ای برای روز دانشجو در حاشیه‌ی گفت‌وگو میان دو دانشجو با سردبیر طرح نو؛

شانزدهم آذر؛ در جستجوی «هویت» میان خاک و آسمان



طرح نو؛ سردبیر
پاییز، آخرین نفس‌هایش را در سرمای غیرمنتظره‌ی آذرماه می‌کشید. هوای تبریز، این شهر تاریخی که همیشه خاطره‌ی زمستان‌های سخت و برف‌گیر را در خود داشته، امسال کمی مهربان‌تر بود؛ سرمای معتدل که نه به سرمای استخوان‌سوز گذشته می‌مانست و نه گرمای خوش‌گذران روزهای اول مهر. همین اعتدال نامتعارف، انگار نسل جدید؛ نه کاملاً بیخ‌زده در این روزهای پاییز، و نه کاملاً ذوب شده در جدد.

در چنین روزی، روزی که سایه‌ی پررنگ «آزادی اندیشه و پرسشگری» بر شانه‌های هر دانشجو سنگینی می‌کند، میهمان دو تن از دانشجویان نخبه‌ی دانشگاه‌های این شهر شدیم. هدف، نه بزرگداشت صرف یک تاریخ، بلکه جستجوی پاسخ به یک پرسش کهن بود: هویت ما از کجاست و مرزهای نژاد و قومیت تا کجا باید بر زیست ما حاکم باشد؟
گفت‌وگویی سردبیر طرح نو با الیاس (متمکز بر تاریخ و میراث) و زهرا (نظریه‌های اجتماعی) در فضایی آرام و متفکرانه در حیاط یکی از دانشگاه‌های تبریز آغاز شد؛ بحثی درباره‌ی غرور دیرین و اصالت فرهنگی. اما خیلی زود، این آرامش جای خود را به جدلی سازنده داد. جدلی که هدفش نه اثبات برتری قومی بر دیگری، بلکه کندوکاو در ریشه‌های علمی، جغرافیایی و الهیاتی تفاوت‌های بشری بود. این گفت‌وگو، سفری تحلیلی است از افتخارات محلی به حقیقت جهانی خلقت؛ تلاشی است برای یافتن نقطه‌ی تلاقی علم تکامل و آموزه‌های دینی درباره‌ی منشأ انسان، و درک اینکه چرا هنوز، با وجود همه پیشرفت‌ها، انسان‌ها بیش از آنکه برابری را جشن بگیرند، بر تفاوت‌های ظاهری اصرار می‌ورزند. اینجا، میان کتاب‌ها و سرمای آذربایجان، تلاش شد تا مرزهای نژاد به مرزهای آگاهی تبدیل شود.

آغاز گفت‌وگو: افتخار یا احساس تعلق؟

الیاس، دانشجوی سال چهارم تاریخ، نخستین کسی بود که سکوت را شکست: «من یک سؤال قدیمی دارم. آیا بد است اگر کسی به قوم خودش احساس افتخار کند؟ من گاهی حس می‌کنم نسل ما از گذشته جدا شده و دیگر نمی‌داند از کجا آمده. پدر بزرگ من همیشه می‌گفت «ملت ما تاریخ بزرگی دارد». حرفش در گوشم مانده. مشکل کجاست وقتی کسی بخواهد این افتخار را یادآوری کند؟»
زهرا، که در جامعه‌شناسی تحصیل می‌کرد و از شاگردهای جوسر کلاس نظریه‌های اجتماعی بود، گفت: «احساس افتخار هیچ اشکالی ندارد؛ مشکل زمانی شروع می‌شود که افتخار تبدیل به «معیار ارزش‌گذاری» دیگران شود. ما می‌توانیم به ریشه‌ی‌مان عشق بورزیم، اما در همان لحظه مسئولیم. بپذیریم که دیگران هم ریشه‌هایی به همان عمق دارند.»

سردبیر: «در واقع بحث شما دو نفر دو زبان متفاوت دارد. یکی زبان عاطفی است، دیگری زبان اخلاقی. ما باید از این دو زبان عبور کنیم و به سطح سوم برسیم، یعنی سطح علمی و تاریخی پدیده‌ی «قوم». تا وقتی ندانیم قومیت از کجا آمده، نمی‌توانیم درباره‌ی برتری یا برابری آن دوری کنیم.»

«قومیت، پدیده‌ای طبیعی نیست، بلکه تاریخی است. در آغاز تاریخ بشر، هویت انسان به «قبیله» وابسته بود، نه به ملت یا نژاد. جغرافیا مرز ساخت، و مرزها در طول زمان احساس «ما» و «دیگران» را پدید آوردند.»

زهرا اضافه کرد: «در جامعه‌شناسی هم قومیت را چنین تعریف می‌کنیم: نوعی همبستگی مبتنی بر تبار یا زبان یا منطقه. اما این مفهوم در دوران مدرن تقویت شد، آن‌هم زمانی که دولت‌های ملی شکل گرفتند و نیاز داشتند «روایت مشترک تاریخی» بسازند.»

الیاس با دقت گوش می‌داد، اما در نگاهش هنوز جرقه‌ای از شک دیده می‌شد: «پس یعنی ما همین‌طور به طور تصادفی قوم شدیم؟ فرهنگ‌مان، زبان‌مان، شعرها و افسانه‌ها همه تصادفی‌اند؟»

سردبیر: «نه، تصادفی نیستند. بلکه حاصل ترکیب شرایط اقلیمی، تحولات اقتصادی و فرآیندهای تاریخی‌اند. در شمال، مردم از سرما ساختار خانوادگی بسته‌تری داشتند و در جنوب، زندگی قبیله‌ای و بازرگانی شکل گرفت. حتی نوع زبان نتیجه‌ی هزاران سال سازگاری با محیط است. قومیت فرزند جغرافیاست.»
گفت‌وگو به تدریج از شعر و تاریخ به قلمرو علم کشیده شد.

سردبیر: «در قرن نوزدهم نظریه‌ی «جبر جغرافیایی» مطرح شد. مونتسکیو، منتسپیر و بعدها ارتزل گفتند آب‌وهوا و اقلیم در شکل‌گیری رفتار و فرهنگ مردم نقش دارند. مردم مناطق سردمنطقه‌ای منظم‌تر و سخت‌کوش‌ترند، مردم مناطق گرم‌سیری پرشورتر و عاطفی‌تر. گویی این نظریه امروز ساده‌لوحانه به نظر می‌رسد، اما بنیانی بود برای درک علمی تفاوت انسان‌ها.»
زهرا پرسید: «یعنی تفاوت نژادها از دید علم، ریشه در محیط دارد؟»

سردبیر: «بله، تا حدی. علم ژنتیک و نظریه‌ی تکامل داروین نشان داد که تنوع رنگ پوست، چهره و قد، نتیجه‌ی سازگاری تدریجی گونه‌ی هوموساپینس با محیط زیست است. در مناطق آفتاب‌خیز، پوست تیره‌تر شد تا از اشعه‌ی فرابنفش محافظت کند. در نواحی سرد، پوست روشن‌تر ماند تا ویتامین D بهتر تولید شود. حتی شکل چشم‌ها، موی سر، یا استخوان‌بندی چهره مرتبط با اقلیم است. هیچ‌کدام نشانه‌ی برتری نیست فقط نشانه‌ی تطبیق است.»
الیاس به آرامی سرش را تکان داد: «پس یعنی اگر نیاکان من در منطقه‌ی دیگری زندگی می‌کردند، شاید اصلاً رنگ پوست یا زبان دیگری داشتند؟»

سردبیر: «به احتمال زیاد، بله. ما محصول جغرافیایمان هستیم، نه ترکیب خاصی از ژن‌های برتر.»
زهرا جمله را ادامه داد: «و وقتی این واقعیت را بپذیریم، دیگر حتی افتخار قومی هم بی‌معنا می‌شود، چون می‌فهمیم که هر فرهنگی، پاسخی خلاقانه به چالش‌های خاص خودش بوده است.»

پیوند علم و ایمان: از بیگ بنگ تا آدم و حوا

در این لحظه بحث جدی‌تر شد. الیاس که از کودکی آموزش دینی دیده بود، گفت: «اما در نگاه دینی، ما همه از یک پدر و مادر آفریده

شده‌ایم. یک خانوادگی بزرگ به نام بشریت. در قرآن آمده که خداوند انسان را از خاک آفرید و سپس او را در اقوام و شعوب گوناگون پراکند تا یکدیگر را بشناسند. این یعنی تفاوت، هدفمند بوده است. اما برخی می‌گویند تکامل انسان‌ها هم همین تنوع را توضیح می‌دهد. چطور این دو از هم جدا نیستند؟»
سردبیر: «می‌شود گفت دین و علم دو زبان متفاوت از یک پدیده‌اند. علم با داده حرف می‌زند، دین با معنا. فرآیند تکامل می‌تواند توضیح فیزیکی تنوع انسان باشد، و آیه‌ی قرآن بیان اخلاقی همان حقیقت است: تنوع برای شناخت، نه برای سلطه.»

زهرا اضافه کرد: «اگر نظریه‌ی علمی می‌گوید رنگ پوست از تفاوت آب‌وهوا می‌آید، دین می‌گوید خدا خواست تا زمین از یک رنگ نباشد. هر دو می‌خواهند بگویند تنوع، هدفمند و زیباست.»
الیاس نگاهش را به افق دوخت: «ای کاش در جامعه هم این نگاه ریشه بگیرد. گاهی حس می‌کنم ما در حرف از برابری دفاع می‌کنیم، اما در رفتار هنوز گرفتار مقایسه‌ایم.»
زهرا دفترچه‌اش را باز کرد و نکته‌ای نوشت. سپس گفت: «در جامعه‌شناسی، تعصب قومی نوعی «آگاهی ناقص جمعی» است. یعنی انسان از هویت خود آگاهی دارد، اما هنوز به سطح همدلی میان‌قومیتی نرسیده. جامعه مدرن باید به آگاهی دوم برسد؛ یعنی درک اینکه «دیگری»، آن‌هی شناخت خویشتن ماست. اگر ترک، فارس یا کرد نباشد، مفهوم من اجتماعی هم بی‌معنا می‌شود.»

سردبیر: «گویا همان حرف هگل است در دیالکتیک ارباب و برده. هویت هر کس فقط در برابر دیگری شکل می‌گیرد.»
الیاس لیخند تلخی زد: «اما در جهان واقعی، مردم بیشتر در برابر دیگری می‌جنگند تا از او یاد بگیرند.»
زهرا: «بله، چون آگاهی بدون آموزش نمی‌رود. ما هنوز از کودکی با روایت‌های قوم‌محور تربیت می‌شویم. هر کسی فکر می‌کند تاریخ او مرکز جهان است. اگر مدارس، ادبیات تطبیقی و زبان‌پژوهی را تقویت کنند، شاید نگاه نسل بعد انسانی‌تر شود.»

سردبیر: «می‌دانید طبق یافته‌های اخیر ژنتبارشناسی، ۹۹/۹۹ درصد ژنوم تمام انسان‌های روی زمین یکسان است؟ تفاوت ژنتیکی میان دو انسان در دو قاره کمتر از تفاوت ژنتیکی میان دو شامپانزه‌ی عضو یک قبیله است! یعنی تمام آنچه ما «نژاد» می‌نامیم، از نظر زیست‌شناسی تقریباً هیچ مبنای واقعی ندارد.»
الیاس شگفت‌زده پرسید: «عجب! یعنی ما عملاً یکی هستیم؟»

یادداشت پایانی سردبیر

این گفت‌وگو نه برای برتری، نه برای جدل، بلکه برای تذکر بود. تفاوت‌ها، مسیر کشف انسانیت‌اند؛ علم آن را توضیح می‌دهد، ایمان آن را معنا می‌کند، و فرهنگ آن را زنده نگه می‌دارد. در جهانی که هنوز رنگ پوست و زبان معیار تفاوت است، شاید وقت آن رسیده باشد که از «نژاد» به «فهم مشترک» مهاجرت کنیم. زیرا زمین از آن همه است و انسان‌ها، فصل‌های یک کتاب واحدند.

مدیرکل راه و شهرسازی آذربایجان غربی:

پیشرفت نهضت ملی مسکن در گلمان ارومیه



طرح نو؛ گروه خبر
مدیرکل راه و شهرسازی آذربایجان غربی با اشاره به تحویل ۵۴۴ واحد نهضت ملی مسکن در شهر جدید گلمان، از تداوم اجرای طرح‌های زیرساختی در سایت ۴۵ هکتاری خبر داد و گفت: روند آماده‌سازی این مجموعه با رصد روزانه و همکاری دستگاه‌های خدمات‌رسان در مسیر تکمیل قرار گرفته است.
پیمان آرامون در بازدید از روند اجرای

دستگاه‌های اجرایی و خدمات‌رسان در فراهم آوردن امکانات و شرایط لازم برای توسعه زیرساخت‌های پایدار شهر در سایت ۴۵ هکتاری شهر جدید گلمان به زودی شاه تحولانی در این زمینه خواهیم بود.
وی ادامه داد: روند اجرای طرح آماده‌سازی زیرساخت‌های سایت ۴۵ هکتاری در شهر جدید گلمان به صورت روزانه رصد و بازدیدهای هفتگی در حال انجام است تا امکانات لازم در اختیار ساکنان این واحدها قرار گیرد.

مدیرکل راه و شهرسازی آذربایجان غربی اظهار کرد: باید به این مسأله توجه کرد که آماده‌سازی اراضی و ایجاد زیرساخت‌ها، بستر تحقق عدالت شهری و حمایت از خانواده‌ها را فراهم می‌کند و تکمیل زیرساخت‌ها، به الگویی برای شهرسازی متوازن، تبدیل می‌شود.
آرامون گفت: در سفر وزیر راه و شهرسازی به استان مقرر شده تا درباره این شهر چندین اقدام مهم انجام شود که انتخاب هیات مدیره و مدیرعامل یکی از این موارد بوده و فرایند معرفی آن در دست اقدام است.
وی افزود: با این اقدام درصدد هستیم تا از نظر اقتصادی و بودجه‌ای این شهر مستقل شود.
وی اضافه کرد: همچنین مقرر شده تا تفاهم نامه‌ای بین استانداری، اداره کل راهداری و

۲ هزار و ۱۷۵ مرکز درمانی، تشخیصی و پزشک طرف قرارداد تامین اجتماعی آذربایجان غربی



طرح نو؛ گروه خبر
مدیرکل مدیریت درمان تامین اجتماعی آذربایجان غربی گفت: در حال حاضر ۲ هزار و ۱۷۵ مرکز درمانی، مرکز پاراکلینیکی و پزشک طرف قرارداد این سازمان هستند و بیمه شدگان در استان می‌توانند با حضور در این مراکز، اقدامات لازم درمانی را پیگیری کنند.

میر نادر موسوی افزود: از این تعداد، ۲۱۳ مرکز درمانی و یک هزار و ۱۵۰ مرکز پاراکلینیکی در شهرستان‌های مختلف آذربایجان غربی قرار دارند که خدمات لازم را به بیمه شدگان تامین اجتماعی ارائه می‌دهند.

وی اضافه کرد: همچنین ۸۱۲ پزشک در آذربایجان غربی طرف قرارداد با بیمه تامین اجتماعی هستند.

وی ادامه داد: البته ۱۲ مرکز درمانی ملکی مربوط به مدیریت درمان تامین اجتماعی نیز در شهرستان‌های مختلف آذربایجان غربی وجود دارد که با کمترین هزینه ممکن، خدمات درمانی و تشخیصی را انجام می‌دهند.

مدیرکل مدیریت درمان تامین اجتماعی آذربایجان غربی اظهار کرد: در حال حاضر یک میلیون و ۱۱۷ هزار و ۹۵۶ بیمه‌شده اصلی و تبعی در استان تحت پوشش این

نهادهای هستند و افزون بر ۴۱ هزار کارگاه در استان بیمه شده داشته و حق بیمه پرداخت می‌کند.

موسوی گفت: همچنین بیش از ۲۰۳ هزار نفر در آذربایجان غربی مستمری بگیر تامین اجتماعی هستند.

وی با اشاره به پرداخت دو هزار و ۵۰۰ میلیارد ریال از مطالبات طرف‌های قرارداد تامین اجتماعی آذربایجان غربی افزود: با پرداخت بخشی از مطالبات، تلاش کرده‌اند فضای همکاری با مراکز طرف قرارداد بیش از گذشته تقویت شود و روند ارائه خدمات به بیمه‌شدگان بدون وقفه و با کیفیت مستمر ادامه یابد.

تامین اجتماعی در کنار بیمه سلامت، اصلی‌ترین صندوق‌های بیمه‌ای در کشور به شمار می‌روند. / ایرنا

«حسنلو» گنجینه‌ای در اعماق تاریخ؛ سفر تاریخی ۸۰۰۰ ساله به ایران باستان



طرح نو؛ گروه گزارش - سکنیه اسمی «روستای تاریخی حسنلو» در نقده با قدمت ۸۰۰۰ ساله یکی از مهم‌ترین محوطه‌های باستانی ایران و یکی از ۸ روستای منتخب کشور برای ثبت جهانی گنجینه‌ای بی نظیر گردشگری و معماری است.

دهکده گردشگری حسنلو نقده، به عنوان یکی از روستاهای هدف گردشگری آذربایجان غربی، در ۸۵ کیلومتری ارومیه و ۹ کیلومتری نقده واقع است و در حال حاضر این روستای به‌عنوان یکی از هشت روستای نماینده ایران برای ثبت جهانی انتخاب شده است.

روستای حسنلو نقده به واسطه وجود آثار طبیعی و تاریخی ملی و جهانی از قبیل تپه باستانی حسنلو، تالاب بین‌المللی شورگل، سد حسنلو و نزدیکی به دریاچه بین‌المللی ارومیه یکی از مقاصد اصلی گردشگری در آذربایجان غربی محسوب می‌شود و منتخب ۸ روستای کشور برای ثبت جهانی است.

این روستا در ۷ کیلومتری شمال شرق شهر نقده با جمعیتی بالغ بر یک هزار و ۴۰۰ نفر و در نزدیکی دریاچه ارومیه قرار دارد. محوطه تاریخی حسنلو با وسعت ۳۰ هکتار و ارتفاع ۲۰ متر، در دل روستای حسنلو واقع شده است. این منطقه در هزاره‌های ششم تا سوم قبل از میلاد مسکونی بوده و آثار متعددی از دوره‌های مختلف تاریخی در آن کشف شده است. دهکده حسنلو را چند روستای دیگر مانند نگیتی در بر گرفته‌اند و تپه‌های باستانی زیادی در خصوص تپه حسنلو را فراگرفته‌است و گویا هنگام آبادی حسنلو و تمدن عظیمش تمدن‌های دیگری نیز با این تپه در تماس بوده و هم دوره تمدن حسنلو به وجود آمده‌اند.

سکونت مردمان ۱۰ دوره تاریخ تمدن ایران در تپه حسنلو وجود تپه‌های باستانی دیگر حکایت از این دارد که اقوام ساکن در حسنلو با اقوام ساکن در تپه‌های اطرافش از یک تیره بوده و با هم داد و ستد و ارتباط داشته‌اند که از جمله این تپه‌ها می‌توان به تپه باستانی پسنلی، حاج فیروز، تاپیه، عقرب تپه، تپه کوپیک، میرآباد، ساخسی تپه، نظام آباد و محمدشاه که به فاصله‌های مختلف از یکدیگر و به فاصله دو کیلومتر تا شعاع ۱۵ کیلومتر از تپه حسنلو قرار گرفته‌اند.

تپه حسنلو تپه بزرگ و مدوری به قطر تقریبی ۲۸۵ تا ۲۵۰ متر و ارتفاع ۲۰ متر از سطح رودخانه «گدار» است، این تپه بین دو دهکده امین‌لو و حسنلو از طرف مغرب و مشرق قرار گرفته است.

ساکنان اولیه تپه حسنلو احتمالاً قوم مناعی بوده‌اند که تمدن بس وسیع و درخشانی از خود به یادگار گذاشته‌اند و از اشیای مکشوفه در این تپه چنین به نظر می‌رسد که آثار مغربی آنها کاملاً قابل مقایسه با آثار مغربی لرستان یعنی قوم کاسی است و شاید قرابتی بین این دو قوم موجود باشد از قوم مناعی و محل سکونت آنها که سرزمین‌های جنوبی دریاچه ارومیه بوده، یادی در تورات شده و قوم مناعی را قوم «مان» هم گفته‌اند.

بر اساس داده‌های باستان‌شناسی این تپه در ۱۰ دوره مورد سکونت قرار گرفته و ضخامت لایه‌های هر دوره معلوم است که دوره دهم که قدیمی‌ترین دوره سکونت حسنلو به حساب می‌آید، مربوط به هزاره ششم تا هزاره سوم قبل از میلاد است و این دوران از دوره ابتدایی سنگی آغاز و تا دوره باستانی، مادها و دوره اسلامی ادامه می‌یابد.

مسیرهای دسترسی راحت تر به دهکده تاریخی حسنلو

توق، گیاه گوشتخوار توربه واش و بارآنگ آب‌ی اشاره کرد. اردک سر سبز، اردک سر خنایی، اردک بلوطی، اردک ارده‌ای، کشیم کوچک، کشیم گردن سیاه، کشیم بزرگ، چنگر، یلوه آبی، کاکایی کوچک، پرستوی دریایی نوک کلفت، پرستوی دریایی گونه سفید، پرستوی دریایی بال سفید، حواصیل شب، حواصیل ارغوانی، حواصیل خاکستری، اگرت کوچک، حواصیل زرد، بوتیمار کوچک، سنقر تالابی، خروس کولی معمولی، خروس کولی سینه سیاه، سلیم طوقی کوچک و نیز سایر جانداران پستاندار مانند انواع روباه، گرگ، راسو و شغال شناسایی شده است، یک نوع موجود بسیار نادر به نام «فسیل زنده میگوی سرورغی» نیز از میلیون‌ها سال قبل در این تالاب به حیات خود ادامه می‌دهد.

روستای تاریخی حسنلو سالانه پذیرای ۵۰ هزار گردشگر است

مدیر پایگاه ملی محوطه تاریخی حسنلو در نقده در خصوص ویژگی‌های این روستای تاریخی در گفتگو با خبرنگار مهر گفت: این روستا و تپه تاریخی حسنلو با قدمت ۸ هزار سال یکی از پایگاه‌های مهم تاریخی و باستانی کشور به شمار می‌رود و به دلیل اهمیت تاریخی و گردشگری آن روستا جزو ۸ روستای منتخب کشور برای ثبت جهانی است.

حسن شیری طبیعت بکر روستا، وجود تپه باستانی و تاریخی حسنلو، جام‌زرین حسنلو، تالاب بین‌المللی حسنلو، صنایع دستی، موزه تاریخی، را از مهمترین ویژگی‌های تاریخی و گردشگری این روستا برشمرد و افزود: سالانه این روستا میزبان ۵۰ هزار گردشگر خارجی و داخلی است.

وی با بیان اینکه در ۸ ماهه گذشته سال جاری نیز در هشت ماهه نخست ۲۰ هزار گردشگر از تپه تاریخی حسنلو بازدید کرده‌اند، گفت: اجرای برنامه‌های فرهنگی همچون نوروزگاه، همچنین اقدامات مرمتی و پژوهشی صورت‌گرفته در مجموعه، شرایط مناسبی برای حضور گردشگران فراهم کرده و نقش قابل توجهی در رشد بازدیدها داشته است.

شیریی خاطر نشان کرد: بعد از نامزدی این روستا برای ثبت جهانی اقدامات زیرساختی از جمله تسریع در مرمت و بازسازی تپه تاریخی، افزایش تعداد واحدهای بوم گردی، حفظ بافت تاریخی خانه‌ها و روستا، سنگ فرش کوچه‌های روستا، افزایش تعداد سرویس‌های بهداشتی، توجه به زیرساخت مسیرهای دسترسی و ... در حال اجراست.

۶ واحد بوم گردی در روستای تاریخی حسنلو در دست اجراست

وی نبود هتل را در اطراف روستا و شهر نقده را یکی از نیازهای گردشگری منطقه دانست و گفت: یک واحد بوم گردی در این روستا دایر است اما بعد از اعلام نامزدی برای ثبت جهانی هم اکنون ۶ واحد بوم گردی دیگر در این روستا در دست اجراست.

شیریی گفت: روستای حسنلو از جمله روستاهای آذربایجان غربی است که در آنجا بوم‌گردی‌ها از رونق زیادی برخوردار بوده و با استقبال خوبی از سوی اهالی و مسافران همراه هستند، اقامتگاه‌های بوم‌گردی در اصل خانه‌هایی هستند که در مناطق طبیعی و بکر بنا می‌شوند و مردم بومی با بنا کردن آنها در میان خانه‌های خود، به

تولیدی نیز توسط اهالی روستا ایجاد شده که نقش به‌سزایی در اشتغال‌زایی و درآمد پایدار برای ساکنان روستا داشته است.
از مهمترین این کارگاه‌ها می‌توان به کارگاه‌های تولید محصولات صنایع‌دست، قالی بافی، محصولات لینی مانند انواع شیر، پنیر، خامه و پنیر پیتزا، تولید لامپ کم‌مصرف، پرورش ماهی قرل آلا، تولید قارچ، ارائه خدمات گردشگری، پخت نان سنتی، محصولات گلخانه‌ای و ... اشاره کرد که هر کدام نقش به‌سزایی در پایداری اقتصادی منطقه دارند.
اهالی روستای تاریخی و گردشگری حسنلو به‌عنوان یکی از مهمترین روستاهای گردشگری کشور همواره در امورات اجتماعی و توسعه روستا نقش به‌سزایی داشته‌اند، مشارکت داوطلبانه در حفاظت، نگهداری و مرمت محوطه تاریخی حسنلو، نظافت و پاک‌سازی معابر روستا، شرکت در برنامه‌های مختلف آموزشی مانند کارگاه‌های صنایع‌دستی، اکوتوریسم، باستان‌شناسی و ... برپایی نمایشگاه‌های صنایع دستی، برگزاری جشن پرچم، برگزاری مراسم مذهبی، اشتغال جوانان و بانوان در کارگاه‌های تولیدی و کمک به اقتصاد خانواده‌ها و ... از مهمترین برنامه‌های مشارکتی مردم در روستای حسنلو هستند.

طعم دلپذیر غذاهای سنتی و طبیعت بکر در روستای تاریخی حسنلو
غذا نیز یکی از میراث باارزش روستای حسنلو است که تجربه لذت بخش امتحان یکی غذای سنتی را برای گردشگران حسنلو به ارمغان می‌آورد آش میوه، قیقاناخ، چچمجه، رشته محلی (اریشته) و نان سنتی از جمله غذاهای سنتی این روستای زیبا هستند.

در کنار آثار تاریخی و صنایع‌دستی طبیعت بکر و تالاب‌های زیبا نیز یکی دیگر از جاذبه‌های حسنلو هستند که از آن جمله می‌توان به تالاب بین‌المللی حسنلو (شور گل)، عضو کنوانسیون بین‌المللی رامسر اشاره کرد که در آن بیش از ۵۶ نوع گونه گیاهی شناسایی شده است، عمده گیاهان شاخص در این تالاب بیش‌تر در قسمت شمال تا جنوب غربی این زیستگاه به فراوانی به چشم می‌خورد که از مهمترین آنها می‌توان به انواع نی لونی، بوریا، گز، خارشتر،

راه اندازی کارگاه تولید و فروش تندیس‌های جام طلای حسنلو
هر روستا سوغات خاص خود را دارد که شامل صنایع‌دستی، محصولات صنعتی و مواد غذایی ساخته شده در نواحی جغرافیایی هستند، در روستای تاریخی و گردشگری حسنلو نیز تولید و عرضه تندیس‌های جام طلای حسنلو به شکل‌ها و اندازه‌های مختلف توسط رامین عباس‌نژاد که دارای خانه هنر در حسنلو بوده به یکی از سوغاتی‌های مهم حسنلو تبدیل شده است.

اکثر اهالی روستای حسنلو در حوزه‌های کشاورزی و دامداری اشتغال دارند که در سال‌های اخیر کارگاه‌های

مسافران و گردشگران اجازه می‌دهند که در کنارشان اقامتی دلنشین را سپری کنند.

وی با اشاره به فعالیت ۶ واحد تولیدی لبنیات، کشاورزی، صنایع دستی برای ارائه محصولات مناسب با نیاز گردشگران را از دیگر اقدامات در این راستا عنوان کرد و گفت: همچنین ۱۴ دهنه سرویس بهداشتی مناسب در این روستا و مناطق گردشگری دایر شده است.

مدیر پایگاه ملی محوطه تاریخی حسنلو در نقده با بیات طی دو تا سه سال آینده اقدامات لازم به شکل مطلوب انجام شود، بافت تاریخی روستا حفظ گردد و نمایشگاه‌های صنایع‌دستی برپا شود تا چهره روستا دوباره احیا شود.

شیریی با اشاره به تخصیص ۶ میلیارد تومان اعتبار برای زیرساخت‌های گردشگری در این روستا عنوان کرد: پیش

بینی می‌شود این میزان تا پایان سال مالی نیز افزایش یابد. وی با اشاره به اینکه روستای هدف گردشگری حسنلولی

نقده به‌واسطه داشتن آثار شاخص طبیعی و تاریخی از قبیل محوطه‌های مهم تاریخی، سد و تالاب یکی از مقاصد مهم گردشگری استان آذربایجان غربی به شمار می‌رود لازم است که زیرساخت‌های گردشگری برای استفاده گردشگران و رفاه حال ایشان ایجاد و توسعه یابد و امید است با تخصیص اعتبارات لازم شاهد ایجاد امکانات رفاهی بیشتر در این مجموعه باشیم.

تلفیق گردشگری و طبیعت گردی در روستای تاریخی گردشگری

شیریی با بیان اینکه روستای حسنلو نقده قابلیت‌های خوبی در حوزه میراث‌فرهنگی، گردشگری و طبیعت‌گردی دارد، افزود: تلفیق این حوزه‌ها باعث شده است تا این روستا از تنوع زیادی برخوردار باشد و وجود تپه تاریخی حسنلو به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های بشری، جایگاه والایی به این روستا بخشیده است.

مدیرکل پایگاه ملی محوطه تاریخی حسنلو در نقده ادامه داد: محصولات صنایع‌دستی تولیدی توسط اهالی روستا، وجود تالاب‌های اطراف روستا که زیستگاه پرندگان بوده و مورد توجه پرندگان است و نیز افزایش تعداد تأسیسات گردشگری در حسنلو نقده از جمله دیگر قابلیت‌های این روستا هستند.

شیریی با اشاره به ایجاد پایگاه ملی در این شهرستان گفت: همچنین موزه تاریخی با آثاری بالغ بر ۱۴ هزار شی تاریخی از دیگر مزیت‌هایی که گردشگران داخلی و خارجی را برای ترغیب به دیدن این روستای تاریخی می‌کند.

تپه یا قلعه تاریخی حسنلو، جام زرین حسنلو که از شهرت جهانی برخوردار هستند، تالاب بین‌المللی شورگل، وجود ۱۴ تپه تاریخی در اطراف شهرستان نقده، طبیعت بکر روستای حسنلو، لبنیات و بستنی معروف روستای حسنلو، موزه تاریخی، صنایع دستی و واحدهای بوم گردی، لباس‌های مخصوص اهالی روستا از مزیت‌های گردشگری و تاریخی این روستای با تمدن است که در گزارش‌های بعدی بیشتر به آنها می‌پردازیم.

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: دکتر محمدرضا ربانی
آدرس تبریز: خیابان امام - مابین چهارراه منصور و میدان ساعت - جنب مسجد کبود
مجتمع تجاری ابریشم - طبقه اول - واحد شماره ۹ شماره تماس: ۳۵۲۴۱۹۵۲
آدرس ارومیه: ابتدای خیابان سرداران ۱- پ ۲۲- طبقه ۳- واحد ۱۱
تلفکس: ۰۴۴-۳۲۲۴۸۵۸۸
لینتوگرافی و چاپ: شاخه سبز

طرح نو

رتبه ۳ در طرح رتبه بندی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

امام علی(ع):
گواراترین زندگی، رها کردن تکلفها (تجملات)
است.

یکشنبه ۱۶ آذر ماه ۱۴۰۴ - سال نوزدهم - شماره ۳۴۵۷

خبر

آغاز پروژه مسیر گشایی خیابان ۶۵ متری میان و الوار با اعتبار اولیه ۶۰ میلیارد تومانی



طرح نو؛ گروه شهری
معاون فنی و عمرانی شهرداری منطقه ۶
تبریز از آغاز پروژه احداث خیابان ۶۵
متری میان و الوار با اعتبار اولیه ۶۰ میلیارد
تومانی خبر داد.
رضا بهجتی، با اعلام این خبر اظهار
داشت: خیابان ۶۵ متری میان و الوار با
اجرای عملیات خاکبرداری و زیرسازی و
جدولکشی در حال انجام است.
وی افزود: طی هفته های آتی نیز زیرسازی،
مصلح ریزی و ادامه عملیات تسطیح و
جدول کشی خیابان جدیدالاحداث ۶۵
متری ورودی الوار انجام خواهد شد.

شهردار تبریز خبر داد:

عمارت کلاه فرنگی در بهار میزبان گردشگران



از آخرین وضعیت فاز دوم پارک باغشمال و عمارت کلاه فرنگی از شروع عملیات ناکارگی عمارت کلاه فرنگی در پارک باغشمال خبر داد و گفت: علاوه بر عملیات نازک کاری، به صورت همزمان نمای بیرونی این عمارت نیز دذر حال انجام است.
آرمان امین بخش گفت: همچنین کف سازی مسیر منتهی به ضلع جنوبی عمارت کلاه فرنگی نیز به اتمام رسیده و در کنار آن عملیات احداث آبنما در دو ضلع این عمارت در حال انجام است.

شهروندان می توانند از فاز دوم پارک باغشمال بهره مند شوند.
شهردار تبریز کاربری عمارت کلاه فرنگی را فرهنگی اعلام کرد و افزود: اجرای این پروژه در راستای احیای هویت تاریخی محدود پارک باغشمال است.
هوشیار افزود: عمارت کلاه فرنگی بنایی متشکل از دو سالن و یک فضای گنبدی شکل هشت ضلعی در وسط عمارت در جهت شرقی غربی، با زیربنایی به وسعت ۳۸۰۰ مترمربع در مراحل آماده سازی است.
شهردار منطقه ۳ تبریز نیز در ایمن بازدید ضمن ارائه گزارش

طرح نو؛ گروه شهری
شهردار تبریز گفت: عمارت کلاه فرنگی یکی از پروژه های مهم فرهنگی و تاریخی شهرداری تبریز در سالهای اخیر است که امیدواریم بتوانیم در فصل کاری امسال این پروژه را به اتمام رسانده تا در فصل بهار میزبان شهروندان و گردشگران باشد.
یعقوب هوشیار در بازدید از فاز دوم پارک باغشمال نسبت به تسریع در عملیات اجرایی و عمرانی عمارت کلاه فرنگی پارک باغشمال تاکید کرد و افزود: با اتمام عملیات کف سازی

ایمن سازی معابر سطح حوزه شهرداری منطقه ۲ تبریز با رنگ آمیزی ترافیکی



اصلی به اجرا درآمده و همچنان ادامه دارد.
هاشمی، ضمن اعلام اینکه برای جلوگیری از بروز ترافیک اجرای رنگ آمیزی های ترافیکی در معابر شهرداری منطقه ۲ به طور شبانه به انجام می رسد تصریح کرد: در همین راستا تلاشگران حوزه معاونت حمل و نقل و ترافیک، اقدام به خط کشی های ترافیکی در معابر اصلی شهرک زعفرانیه، ویلاشهر و یاغچیان با اجرای رنگ آمیزی کرده اند که این فعالیت در سایر مسیرها همچنان ادامه خواهد داشت.

طرح نو؛ گروه شهری
شهردار منطقه ۲ تبریز از ایمن سازی معابر سطح حوزه این منطقه در راستای تردد بدون حادثه شهروندان با رنگ آمیزی ترافیکی مسیرهای اصلی خبر داد. به گزارش امور ارتباطات، عباس هاشمی با اعلام این خبر گفت: برای ایمن سازی معابر با هدف تردد آسان و بدون حادثه شهروندان به هنگام گذر از مسیرهای شهری، توسط معاونت حمل و نقل و ترافیک منطقه رنگ آمیزی سرعتکاه و خط کشی دوجزئی عابرپیاده در معابر



اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان اهر

«خلاصه آگهی مناقصه»

اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان اهر در نظر دارد «تامین مصالح و عملیات اجرایی قسمتی از تاسیسات مکانیکی و الکتریکی سردخانه ده هزار تنی شهاب قائم - اهر» را از طریق مناقصه به شرکت های ذیصلاح در این حوزه واگذار نماید. لذا از علاقه مندان درخواست می گردد از تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۷ لغایت ۱۴۰۴/۰۹/۲۶ جهت اخذ فرم های مورد نیاز به اداره اوقاف و امور خیریه اهر و یا اداره کل اوقاف و امور خیریه استان مراجعه نمایند

روزنامه طرح نو شناسه آگهی: ۲۰۶۵۲۵۹ م ۱-
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۹/۱۶
شهرستان اهر

گزارش

اسقاط خودروهای فرسوده، انتخابی برای نجات هوای شهر

خارج کردن خودروهای فرسوده را نیز افزایش می یابد. در این رابطه استاندارد به قانون ساماندهی صنعت خودرو مصوب سال ۱۴۰۰ نیز خالی از لطف نیست که ماده ۱۰ آن به فرسودگی خودروها اختصاص دارد؛ در این ماده قانونی آمده است: تردد، حمل بار و مسافر توسط وسایط نقلیه موتوری پس از رسیدن به سن فرسودگی در کلانشهرها ممنوع است.
در تبصره این ماده، دولت موظف شده است از محل صرفه جویی حاصل از بهبود و مدیریت مصرف سوخت ناشی از اجرای این قانون، ساز و کار و تسهیلات لازم را جهت جایگزینی خودروهای فرسوده حمل و نقل عمومی با خودروهای نو، فراهم کند.
همچنین در تبصره دیگری آن تولیدکنندگان خودرو و موتورسیکلت در داخل کشور موظف شده اند به ازای تولید هر چهار دستگاه خودرو یا موتورسیکلت، گواهی اسقاط خودرو یا موتورسیکلت معادل را از مرکز اسقاط دریافت کنند. شماره گذاری خودروها و موتورسیکلت منوط به ارائه گواهی اسقاط توسط خودروسازان و موتورسیکلت سازان معادل ۲۵ درصد تولید ماهانه است. مراکز اسقاط مکلف به ارائه گواهی اسقاط مورد تقاضای تولیدکنندگان خودرو و موتورسیکلت هستند.
واردکنندگان خودرو و موتورسیکلت موظفند به ازای واردات هر خودرو و موتورسیکلت به تناسب مصرف و نوع سوخت، علاوه بر پرداخت عوارض گمرکی، گواهی اسقاط خودروی معادل را دریافت کنند. البته این تکلیف قانون در آیین نامه اجرایی قرار گرفته و تاکید شده که شماره جاری نیز مورد تاکید قرار گرفته و تاکید شده که شماره گذاری خودروهای موضوع این آیین نامه منوط به ارائه گواهی اسقاط موضوع ماده (۱۰) قانون ساماندهی صنعت خودرو مصوب ۱۴۰۰ و اصلاحات بعدی آن است.
پیگیری خبرنگار ما حاکی از آن است که با وجود تصریح قانون، همچنان در اجرای آن کاستی هایی وجود دارد و به طور کامل اجرایی نشده است و انتظار می رود با نظارت بیشتر بر اجرای آن بویژه در حوزه تولید و نیز واردات، فرآیند اسقاط خودروها شتاب بیشتری بگیرد. / ایرنا

و نوسازی موتورسیکلت فرسوده برای اولین بار در کشور و اخذ تائیدیه پلیس راهداری برای اسقاط ۹ هزار دستگاه آغاز شده است که این امر نیز تاثیر قابل توجهی در کاهش آلودگی ها به همراه خواهد داشت.
وزارت صنعت، معدن و تجارت به دنبال ایجاد راهکارهای تشویقی و تسهیلاتی برای سوق دادن جامعه به سمت اسقاط خودروهای فرسوده است در همین راستا زیرساخت برخط سامانه نوسازی و اسقاط خودروهای فرسوده و ارتباط با ۲۲ نهاد مرتبط صورت گرفته است. همچنین اختصاص درصدی از طرح های فروش خودروسازان به خودروهای فرسوده نیز می تواند نقش مهمی در جذب مردم به سمت از رده خارج کردن خودروها کمک کند هر چند انتظار می رود به خاطر قیمت بسیار بالای جایگزینی خودروی فرسوده با نو، تسهیلاتی نیز به مردم ارائه شود تا بخشی از هزینه های خرید را جبران کند.

سرمایه گذاری در اسقاط و نوسازی ناوگان خودروهای فرسوده

درپاره میزان مصرف سوخت و آلودگی خودروهای فرسوده محمداصداق حاتمی رئیس ستاد و مدیر نوسازی ناوگان حمل و نقل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدرو) می گوید: نزدیک به ۸.۳ میلیارد لیتر بنزین در سال توسط خودروهای فرسوده در دسته سواری و وانت مصرف می شود.
به گفته وی، میزان مصرف خودروهای فرسوده، با توجه به مصرف بنزین غیراستاندارد، سالانه حدود ۳.۲ میلیارد لیتر بنزین مازاد است که در صورت جایگزینی و از رده خارج شدن می تواند منجر به صرفه جویی در مصرف بنزین شود.
حاتمی عنوان می کند که در صورت سرمایه گذاری در اسقاط و نوسازی ناوگان خودروهای فرسوده از محل صرفه جویی مصرف سوخت، ضمن کاهش ۷۰ درصدی نارتزای بنزین به کاهش آلودگی نیز کمک می کند.
به گفته وی در صورتی که صرفه جویی ارزی صرف سرمایه گذاری برای نوسازی ناوگان شود، سرعت از رده



هفت میلیون و ۵۵۲ هزار و ۷۳۰ دستگاه و در بخش موتور سیکلت ۱۱ میلیون و ۴۰۰ هزار دستگاه است. هر چند هدفگذاری اسقاط خودرو در برنامه هفتم توسعه سالانه ۵۰۰ هزار دستگاه بوده است اما در سال گذشته با اینکه رکورد نزدیک به ۲ دهه را شکسته، به رقم ۳۲۹ هزار دستگاه رسیده است و از ابتدای امسال تا کنون نیز ۱۲۵ هزار دستگاه اسقاط شد.
بررسی عملکرد اسقاط خودرو در سال جاری نشان می دهد که بیشترین سهم اسقاط خودروها به سواری با ۱۲۰ هزار و ۵۱۵ دستگاه، وانت با ۹ هزار و ۶۴۴ دستگاه، تاکسی با پنج هزار و ۲۱۹ دستگاه و کامیونت با چهار هزار و ۸۷۴ دستگاه می رسد و مابقی اسقاط به خودروهای کامیون کشنده، کامیون، مینی بوس، اتوبوس، کامیونت ون و آمبولانس اختصاص یافته است.
بر اساس گزارش های ستاد نوسازی ناوگان حمل و نقل عمومی، اسقاط ۵۰۰ هزار دستگاه خودرو در طی ۲۰ ماه گذشته منجر به کاهش ۱۰ درصد کاهش آلودگی، صرفه جویی ۱.۵ میلیارد لیتر بنزین و بازیافت متوسط ۶۰۰ کیلو انواع مواد با ارزش مصرفی می شود.
در کنار اسقاط خودروها طراحی و اجرای فرآیند اسقاط

باز می گردد یعنی ثبت بالاترین رکورد اسقاط سالانه خودروی فرسوده در تاریخ کشور به سال ۱۴۰۳ می رسد. بر اساس آخرین آمار اعلامی پلیس راهور فراجا، در کشور ۴۱ میلیون و ۲۰۶ هزار و ۱۴۸ دستگاه خودرو درحال تردد در کشور داریم که بیشترین سهم خودروها در مرحله اول به خودروهای سواری با ۲۲ میلیون و ۴۶۵ هزار دستگاه و در مرحله دوم به موتورسیکلت با ۱۳ میلیون و ۶۶۴ هزار دستگاه بر می گردد.
بیشترین استان ها با تردد وسایط نقلیه، تهران، اصفهان، خراسان رضوی، فارس و آذربایجان شرقی هستند که هر چند ۵۰ درصد خودروهای فرسوده تنها در این پنج استان هستند. یعنی همان استان هایی که بیشتر درگیر آلودگی هوا هستند، بیش از سایر استان ها خودروی فرسوده در خود جای داده اند.

۵۰ درصد خودروهای در حال تردد، فرسوده است

بررسی وضعیت خودروهای فرسوده در کل کشور نشان می دهد که حدود ۵۰ درصد خودروهای در حال تردد یعنی چیزی حدود ۲۲ میلیون و ۱۰۲ هزار دستگاه در کشور فرسوده است. در بخش خودروهای سواری

طرح نو؛ گروه شهری
تعطیلی ادارات و مدارس به دلیل آلودگی هوا، بار دیگر نقش خودروهای فرسوده در بحران کلانشهرها را یادآور شده؛ معضلی که حل آن نیازمند حمایت مالی از طرح های جایگزینی با هدف حمایت از صاحبان خودروها است.

وسایل نقلیه با سهم حدود ۶۵ درصد، بیشترین سهم را در انتشار ذرات معلق کوچکتر از ۲.۵ میکرون را دارند و متهم ردیف اول آلودگی هوا در کلانشهرها مخصوص در فصول سرد سال هستند که در سال های اخیر به معضلی در زندگی شهروندان تبدیل شده و زندگی روزمره آنان را تحت تاثیر قرار داده است.
این گروه از خودرو نه تنها پیشیناز آلودگی هوا هستند، بلکه به دلیل فناوری های قدیمی مصرف سوخت بالایی هم دارند که طوری که مصرف سوخت آنها به ازای هر ۱۰۰ کیلومتر حتی بیش از ۱۰ لیتر است یعنی هم بنزین به عنوان یک کالای برخوردار از یارانه سرشار دولت را هدر می دهند و هم با احتراق ناقص سوخت، آلودگی را به ریه های شهروندان تزریق می کنند.
به دلیل همین مشکلات در قانون هوای پاک تاکید شد که باید سالانه ۵۰۰ هزار دستگاه خودرو فرسوده از رده خارج شوند و در کنار آن تولید خودروهای برقی و برقی بنزینی متناسب با احکام سیاستهای کلی محیط زیست صورت در دستور کار قرار گیرد؛ موادی قانونی که در برنامه هفتم توسعه نیز بر آن تاکید شده است.
با این وجود، واقعیت های آماری بیانگر آن است که این الزام قانونی در مسیر اجرا چندان موفق نبوده است؛ طبق آمارها از سال ۱۳۸۶ که اسقاط خودروهای فرسوده آغاز شده، تنها ۲ میلیون و ۵۶۰ هزار دستگاه خودرو اسقاط شده است.
در طول این سال ها اسقاط خودرو با فراز و نشیب های زیادی همراه بوده است اما از سال های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۲ کمترین میزان اسقاط خودرو رقم خورده است یعنی در مجموع به زیر ۲۰۰ هزار دستگاه رسیده است. در مقابل بیشترین آمار اسقاط خودرو به سال ۱۳۹۳ با ۳۲۰ هزار و ۱۹ دستگاه خودرو و ۱۴۰۳ با ۳۲۹ هزار و ۳۵۶ دستگاه